



منظره چهارباغ اصفهان در سال ۱۸۵۱ میلادی از سفرنامه E. Flandin و گت P. Cost

## باغ هزارجریب و کوه صفه، دشت شاه عباس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

دکتر لطف‌الله هنرفر

از آنها در جهان امروز بی‌نظیر و منحصر  
بفرد است و از جاذبه‌های جذاب توریستی  
دنیا بشمار میرود.

غیر از چهارباغ که شهرت جهانی  
دارد و گردشگاهی منحصر بفرد در قرن  
هفدهم میلادی (قرن یازدهم هجری)  
بشمار میرفت و باغ هزارجریب که موضوع

او در این شهر قدیمی ایران بوجود آمد  
مانند میدان نقش جهان و مجموعه آثار  
نفیس اطراف آن عالی‌قاپو و مسجد شیخ  
لطف‌الله و مسجد شاه و سردر قیصریه و بازار  
شاهی و پلها و کاروانسراها و بازارها  
و کلیساها و مدارس از پدیده‌های عالی  
ذوق و هنر ایران محسوب میشود و بسیاری

احداث باغهای وسیع میوه با درختهای  
آرایی مانند چنار و کاج و سرو در اصفهان  
پایتخت صفویه یکی دیگر از جنبه‌های  
رستاخیز ذوقی و هنری دوران شاه عباس  
اول است، سلطنت این پادشاه که از ۹۹۶  
تا ۱۰۳۸ هجری قمری طول کشید دوره  
شکوفان هنرمندی ایران است و آنچه به‌امر



ابتدای چهار باغ شاهعباسی و منظره عمارت جهان نما در جهت مقابل و عمارات دیگر سلطنتی در طرفین خیابان .  
( نقاشی کرنلیوس دو بروین سیاح هلندی در ۱۷۰۴ میلادی ) .

رتال جامع علوم انسانی

این مقاله است تا پایان عهد صفویه باغات وسیع در اصفهان احداث شد که مؤلف تاریخ اصفهان و ری شرح آنها را بدست داده است و در این مقدمه کوتاه فقط به ذکر نام و مساحت آنها مبادرت میکنیم:

باغ خرگاه در گوشه غربی چهلستون با فارسستان و عمارتی که داشت بیش از ۳۴ هزار متر مربع بود.

باغ خیمه گاه و باغ ناظر که ورودی آن در بازار مسگران بود ۳۵ هزار متر مربع.

باغ فراشخانه در شمال چهلستون که در ۱۳۱۴ هجری قمری بدوره قاجار ویران شده است با باغ جزایر خانه جمعاً ۳۶ هزار متر مربع.

باغ کجاوه خانه جنب بازار رنگرزان بیش از ۴۵ هزار ذرع بود.

باغ بادامستان در شمال غربی چهلستون ۲۴ هزار متر.

باغ خیاطخانه در جنب چهلستون ۱۲ هزار ذرع.

باغ خلیلخانه و توحیدخانه<sup>۱</sup> جمعاً ۶۰ هزار ذرع.

باغ نظر که مادی نیاصرم<sup>۲</sup> از میان آن میگذشت و بیش از ۴۵ هزار متر مربع مساحت داشت.

باغ تخت<sup>۳</sup> در مغرب چهار باغ چهل





منظره‌ای از باغ هزار جریب (از آلبوم مصور شاردن)

پرونده‌های علوم انسانی و فقهات عربی  
رتال جامع علوم انسانی

### باغ آلبالو ۱۸ هزار ذرع و باغ عمو

۱ - باغ توحیدخانه در قسمت غربی عمارت عالی قاپو قرار داشته است، گنبد توحیدخانه که هم‌اکنون از داخل عمارت عالی قاپو دیده می‌شود محل زندان فعلی شهربانی اصفهان است و در آینده خیلی نزدیک از این مکان تغییر محل خواهد یافت در جای باغ توحیدخانه دوره شاه عباس اول است.

۲ - لغت مادی اصطلاح اصفهانی است و به نهر بزرگ آب اطلاق می‌شود، ظاهراً این اصطلاح در هیچیک از نقاط دیگر ایران متداول

هزار ذرع.

باغ ماماسلطان معروف به باغ کاج، حدود ۳۰ هزار متر مربع.

باغ بابا امیر ۳۳ هزار ذرع.

باغ توپخانه و باغ عسکر ۴۴ هزار ذرع.

باغ طاووس خانه و باغ پهلوان حسین

در ضلع شرقی چهار باغ که مادی نیاصرم از وسط آن می‌گذشت بیش از چهل هزار ذرع.

نیست ولی ریشه‌ای بسیار قدیمی دارد، بهرحال از زاینده رود اصفهان تعدادی مادی مانند مادی قرآندی و مادی فدین و مادی شاه و مادی تیران و مادی قمیش منشعب می‌شود که باغات و مزارع داخل و خارج شهر اصفهان را آبیاری می‌کنند و بزرگترین آنها مادی نیاصرم است.

۳ - خیابان فعلی شیخ بهائی و اطراف آن

در محل باغ تخت دوران صفویه قرار دارد.

۴ - قسمتی از این باغ کاج هنوز در

دورنمای تالار چهارمستون بسمت مشرق دیده می‌شود.

طاهر ۳۰ هزار ذرع.

باغ قراخان<sup>۵</sup> و باغ معتمد - باغ شیرخان - باغ صالح آباد - باغ چرخاب و باغ چینی خانه - باغ زین خانه و باغ فتح آباد در مشرق چهار باغ حدود ۶۰ هزار متر مربع .

باغ عباس آباد (در محل فعلی خیابان عباس آباد اصفهان) و باغ سلطانعلی خان و باغ علی قاسم و باغ فیل خانه هریک به مساحت چهارده تا ۱۵ هزار ذرع.

باغ زرشک<sup>۶</sup> در چهار باغ بالا بمساحت هشتاد هزار ذرع.

باغ قورچی باشی علیا ۲۶ هزار ذرع و باغ قورچی باشی سفلی در چهار باغ بالا قریب ۳۰ هزار ذرع.

باغ ایشک آقاسی باشی ۳۰ هزار ذرع و باغ قرچقای خان<sup>۷</sup> ۲۵ هزار ذرع.

باغ داروغه ۲۶ هزار ذرع و باغچه ملا در اراضی هزار جریب بیش از ۲۰ هزار ذرع .

باغ رضاقلی خان ۱۲ هزار ذرع - باغ خواجه و باغ داروغه دفتر با سردران قریب ۱۵ هزار ذرع .

باغ وقایع نویس با سردران ۲۵ هزار ذرع و باغ دیوان بیگی تردیک به ۲۵ هزار ذرع .

باغ تفنگچی آقاسی قریب ۳۰ هزار ذرع - باغ قوشچیان و باغ غلامان مطبخ ۱۶ هزار ذرع.

باغ میرآخور شاه عباس تردیک ۱۸ هزار ذرع و باغ اعتمادالدوله حدود ۲۷ هزار ذرع .

باغ مهرداد شاه عباس بیش از ۳۰ هزار ذرع و باغ کلغنایت<sup>۸</sup> که بیش از ۸۵ هزار متر مربع بود.

باغ دمور<sup>۹</sup> بین مسجد شاه و هشت بهشت و باغ کلاه شاه تردیک ۳۴ هزار ذرع.

باغ محمود ۲۷ هزار ذرع و باغ برج و باغ حاج صالح بیش از ۱۴۰ هزار ذرع .

باغ قوشخانه<sup>۱۰</sup> در شمال شرقی شهر

اصفهان و اطراف محله طوقچی امروز بمساحت بیش از ۶۴ هزار متر مربع. باغ بلبل یا باغ هشت بهشت بمساحت ۸۵ هزار متر مربع و باغ توشمال باشی، باغ نسترن، باغ جشاران یا جوشاران، باغ جنت و باغ وحش نیز از باغهای مشهور دوران صفوی بشمار میرفته اند<sup>۱۱</sup> .

### باغ هزار جریب

در دوران صفویه در محل اراضی وسیع امروز دانشگاه اصفهان و مرکز آموزشی توپخانه، بین جاده شیراز و قریه کسنگرد<sup>۱۲</sup> از مشرق به مغرب به ترتیب دو باغ بزرگ سلطنتی هزار جریب و فرح آباد استقرار داشته است و در این دو باغ وسیع قصرهایی ساخته شده بوده است ، باغ و عمارات هزار جریب را شاه عباس کبیر بوجود آورده بوده است و بهمین مناسبت این باغ را بنام خود وی باغ عباس آباد نیز می گفته اند، قصر فرح آباد و عمارات تابع آن نیز بدستور شاه سلطان حسین ساخته شده بوده است، تهیه آب برای این دو باغ عظیم مشکل بزرگی ایجاد مینمود زیرا نهری که شاه عباس اول برای باغ هزار جریب احداث کرده بود فرح آباد را مشروب نمیساخت و چون شاه سلطان حسین به فرح آباد آتیجان دلبسته بود که میخواست اصفهان را ترک گفته و مادام العمر در قصر جدید خود که آنرا «شهرنو» میخواند بسر برد برای تهیه آب مخارج زیادی را متحمل شد و مقرر داشت آب را از مسافتی دور در حدود ۳۰ کیلومتر بوسیله آبراهه های سنگی بآتجا بیاورند اما اکنون علامتی دال بر آبراهه سنگی یا نهری جز آنکه شاه عباس اول برای مشروب کردن باغ هزار جریب موجود کرده بود وجود ندارد و آنچه میتوان گفت آنستکه نهر هزار جریب توسعه یافته بود تا هزار جریب و فرح آباد هر دو مشروب شود.

اسکندریبک ترکمان منشی مخصوص شاه عباس کبیر و مؤلف تاریخ عالم آرای

عباسی درباره طرح چهار باغ اصفهان که ۵ - مؤلف کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان نام این باغ را فراخان ضبط کرده است . (رجوع شود به کتاب مزبور چاپ تهران صفحه ۵۶).

۶ - کارخانه فعلی صنایع پشم اصفهان و اطراف آن در محل باغ زرشک دوران شاه عباس قرار دارد.

۷ - قرچقای خان یکی از سرداران بزرگ و بنام شاه عباس کبیر بوده است.

۸ - کلغنایت نام دلقک و مسخره شاه عباس اول بوده است و باغ او را که امروز قسمتی از آن هنوز وجود دارد و در نواحی طوقچی اصفهان واقع شده باغ کلغنا هم میگویند، جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری متذکر شده است که تصویر مردی که لباس قرمز و شکم بزرگ دارد و بلافاصله پشت سر شاه عباس اول در تابلوی نقاشی دیواری مشهور چهلستون مشاهده میشود همان کلغنایت مسخره شاه عباس کبیر است. (رجوع شود به تاریخ اصفهان و ری تألیف جابری انصاری صفحه ۳۷۳).

۹ - عمارت دمورقاهی در گوشه جنوب شرقی میدان نقش جهان قرار داشته و زندان بزرگ دوره صفویه بوده است ، در سلطنت ناصرالدین شاه قاجار هنوز دیواری از آن دیده میشده است (رجوع شود به کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان تألیف آقامحمد مهدی ارباب صفحه ۳۸).

۱۰ - باغ قوشخانه یکی از باغات بسیار معتبر دوران شاه عباس اول است که در شمال شرقی اصفهان قرار داشته و امروز محله طوقچی و میدان طوقچی و مزار علی بن سهل و مناره باغ قوشخانه در محل آن مشاهده میشود، در این باغ مراسم خلعت بختی و خلعت پوشی انجام میگرفته است و شاه به مهمانان خود و سرداران و افراد لایق خلعت میداده ضمناً این باغ اولین منزل ورودی شهر بوده است و پادشاه از مهمانان شخصی خود و مهمانان مملکت در همین محل استقبال میکرد و یا آنها را بدرقه مینموده است .

۱۱ - رجوع شود به کتاب تاریخ اصفهان و ری تألیف جابری انصاری صفحه ۳۵۴ تا ۳۶۳ . مؤلف کتاب مزبور از باغات دیگری نیز نام برده است.



چهره شاه عباس کبیر، مینیاتور موجود در کاخ چهلستون.







حد شمالی آن عمارت جهان‌نما در محل دروازه دولت فعلی وحد جنوبی آن باغ وقصر هزار جریب بوده است چنین مینویسد: رسالست والف هجری (۱۰۰۶) رأی جهان آرا بدان قرار گرفت که دارالسلطنه مزبور را مقردولت ابد مقرون ساخته، عمارات عالی طرح نمایند، بدین نیت صادق و عزم لایق متوجه آن صوب گشته، زمستان را به عیش و خرمی در دولتخانه مبارکه نقش جهان<sup>۱۲</sup> گذرانیده، اکثر اوقات را به سیر و شکار صرف میفرمودند و شبها مجالس بهشت‌آسا آراسته بساط عشرت گسترانیده میشد و ایام بهار عمارات عالی در نقش جهان طرح انداخته، معماران و مهندسان در اتمام آن میکوشیدند و از دروب شهر يك دروازه در حریم باغ نقش جهان واقع و به درب دولت (دروازه دولت فعلی) موسوم است و از آنجا تا کنار زاینده‌رود خیابانی احداث فرموده، چهارباغی در هر دو طرف خیابان و عمارت عالییه در درگاه هر باغ طرح انداختند و از کنار رودخانه تا پای کوه جانب جنوبی شهر (کوه‌صفه) انتهای خیابان چهارباغ قرار داده اطراف آنرا بر امراء و اعیان دولت قاهره قسمت فرمودند که هر کدام باغی طرح انداخته و در درگاه باغ، عمارتی مناسب، مشتمل بر درگاه و ساباط رفیع و ایوان و بالاخانه‌ها و منظره‌ها در کمال زیب و زینت و نقاشی‌های طلائی و لاجوردی ترتیب دهند و در انتهای خیابان، باغ بزرگ و وسیع، پست و بلند، نه طبقه، جهت خاص پادشاهی طرح انداخته، به باغ عباس‌آباد موسوم گردانیدند.

بنابر این در قرن یازدهم هجری برابر با اوایل قرن هفدهم میلادی که مقارن با دهمین سال سلطنت شاه‌عباس اول بوده است در اصفهان پایتخت جدید ایران خیابانی بنام چهار باغ احداث شده بوده است بطول حدود ۶ کیلومتر و عرض ۵۰ متر و باغچه‌های گل و ردیف درختهای

چهار و حوضها و فواره‌ها که وصف کامل آن در سفرنامه‌های جهانگردان اروپائی مانند پی‌ترودولواواله ایتالیائی<sup>۱۳</sup> و شاردن فرانسوی<sup>۱۴</sup> و دولیه دلانده<sup>۱۵</sup> و انگلبرت کمپفر آلمانی<sup>۱۶</sup> و کرنلیوس دو بروین هلندی<sup>۱۷</sup> و سیاحان دیگر آمده است<sup>۱۸</sup> و منظره آن باین صورت بوده که در انتهای شمالی آن قصر جهان‌نما و در انتهای جنوبی آن باغ وقصر هزار جریب قرار داشته و پل اللهوردیخان یا پل چهارباغ این خیابان را بدو قسمت تقسیم میکرد: در شمال از قصر جهان‌نما تا پل اللهوردیخان چهار باغ پائین و از پل اللهوردیخان تا قصر هزار جریب چهارباغ بالا نام داشته است و در دوضلع شرقی و غربی هر يك از این دو خیابان چهارباغ بزرگ سلطنتی وجود داشته که وجه تسمیه چهارباغ از همین جهت است و باغ و قصر هزار جریب بمنزله يك گردشگاه سلطنتی خارج شهر محسوب میشده است.

از باغ وسیع هزار جریب در حال حاضر قسمتی از حصار غربی آن از نوع دیوارهای بلندگلی باقیمانده است که آنرا دیوار شاه‌عباسی مینامند و مشابه آن در داخل و خارچ شهر اصفهان دیوار یخچالهای قدیمی است که در بعضی جاها هنوز دیده میشود و نیز دو برج کبوتر باقیمانده است که در دو انتهای حصار جنوبی باغ هزار جریب قرار داشته است و یکی از آنها در محوطه فعلی دانشگاه اصفهان قرار دارد.

### از میوه‌های باغ سلطنتی هزار جریب مردم هم استفاده میکردند

پیترودولواواله Pietro Della Valle جهانگرد ایتالیائی که در دوران سلطنت شاه‌عباس اول از اصفهان دیدن کرده است اولین سیاح اروپائی است که از باغ هزار جریب سخن رانده است، وی در توصیف این باغ چنین مینویسد:

بعد از این رودخانه خیابان کماکان با همان دیوارها و درختان و خانه‌ها و باغها و حوض‌ها ادامه دارد<sup>۱۹</sup> با این تفاوت که خانه‌ها و باغات اطراف آن دیگر به‌شاه تعلق ندارد بلکه متعلق به اشخاص مختلفی است که برای اطاعت از دستور شاه و حفظ زیبایی خیابان در ساختن آنها بر یکدیگر سبقت جستند. خیابان به باغ بسیار بزرگی که باغ هزار جریب نام دارد منتهی میشود، این خیابان امروز به اسم چهار باغ خوانده میشود زیرا در اصل باغهای چهارگانه‌ای در این محل وجود داشته‌اند که از مجموع آنها وضع فعلی بوجود آمده است.

سطح باغها یکی بالاتر از دیگری قرار دارد، در آنجا چیز دیگری جز رسته درختان پر شاخ و برگ میوه وجود ندارد و تمام آنها آنقدر کوتا‌ه‌اند که پیاده‌ها و سواران با دست میتوانند میوه بچینند و بعلاوه هر محوطه‌ای مخصوص درختان خاصی میباشد مثلاً يك مربع، مخصوص درختان انجیر و مربع دیگر مخصوص درختان هلو است و بهمین نحو الی آخر. این باغها متعلق به‌شاه است ولی مردم با آزادی کامل از آن استفاده میکنند و آنقدر میوه در آن وجود دارد که برای تمام شهر کافی و حتی زیاد است، در طول و عرض باغ راه‌روهای زیادی وجود دارد که اطراف آنرا درختهای سرو کاشته‌اند

۱۲ - مقصود عمارت عالی قاپو یا قصر سلطنتی شاه‌عباس اول است که در ضلع غربی میدان نقش‌جهان بنا شده است.

13 - Pietro Della Valle.

14 - Jean Chardin.

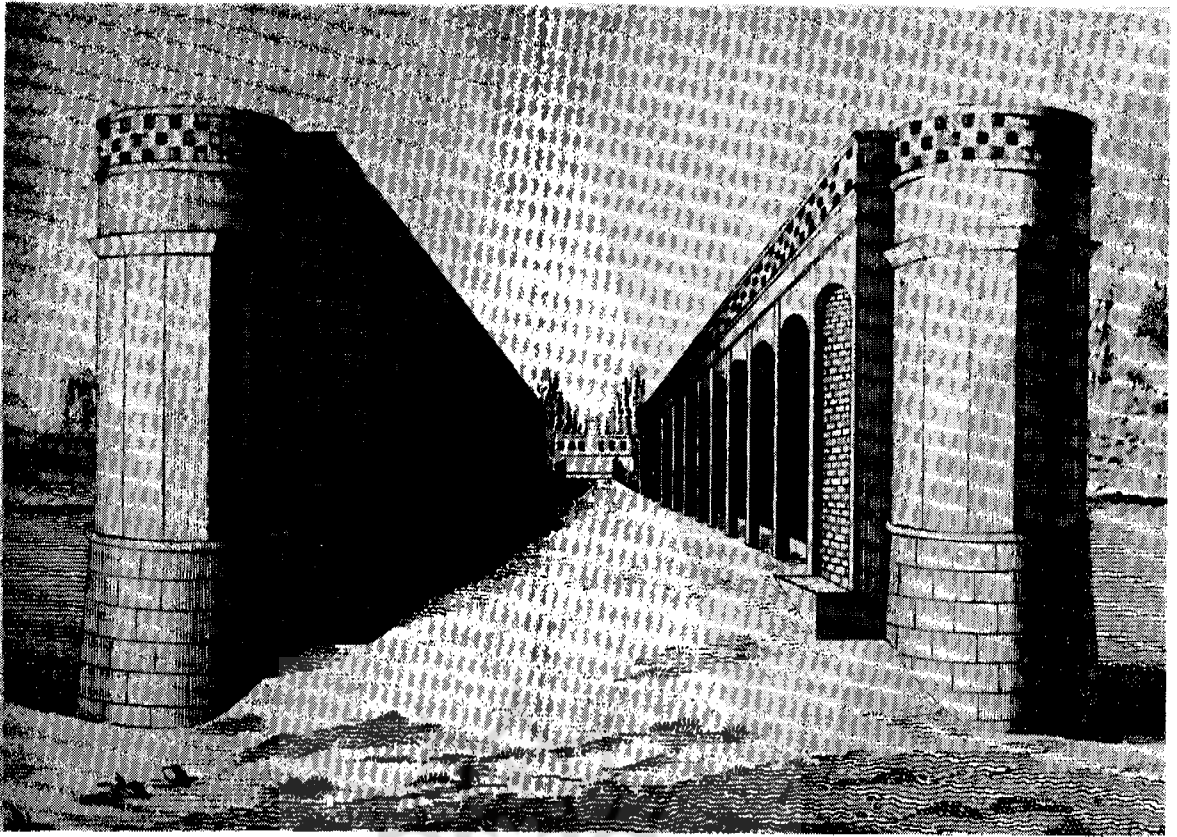
15 - André Daulier - Deslandes.

16 - Engelbert Kämpfer.

17 - Cornelius de Bruyn.

۱۸ - رجوع شود به مقاله «چهارباغ اصفهان» بقلم نگارنده شماره ۹۶ و ۹۷ مجله هنر و مردم.

۱۹ - مقصود از رودخانه، زاینده‌رود و منظور از خیابان، چهارباغ است.



تصویری از پل الهوردی خان که خیابان چهارباغ پائین و بالا را بهم وصل میکرده است. (عکس از آلبوم مصور شاردن).

به درازی دومیل (نزدیک به ۳۲۱۹ متر) به پهنای خیابان هولبورن لندن<sup>۴۰</sup> که قسمت اعظم آن در دوسو، دیوارهای باغ است. این خیابان به هزار جریب منتهی میگردد که بیشه‌ای پر از اشجار میوه است، دور تا دور آن دیواری بطول سه میل (۴۸۲۸ متر) کشیده و در این دیوار سه دروازه وسیع و با شکوه تعبیه کرده‌اند در وسط باغ استخر بزرگ کثیر الاضلاعی که دوازده بخش متساوی دارد و پهنای هر بخشی پنج گام است و از همه سو فواره‌های زیبایی بر روی این استخر آبفشانی میکند. . . . اما آنچه بیشتر مایه بجهت خاطر ما گردید تماشای منظر

20 - Holburn.

که در سال ۱۶۳۴ میلادی بطور مصور در لندن بچاپ رسیده و حاوی تصاویری است از جمله تصویر شاه عباس کبیر و میدان نقش جهان.

هربرت ضمن توصیف شهر اصفهان از باغ هزار جریب که آنرا بهشت شاه عباس مینامد بشرح زیر سخن رانده است:

باغهای این سامان از لحاظ شکوه روائع جانفزا چنان است که در هیچ شهری از شهرهای آسیا نظیرش وجود ندارد، اندک مسافتی به شهر اصفهان مانده این باغها در نظر مسافر بیشه عظیمی جلوه میکند، چندان بزرگ، خوشبو و سبز که گوئی اینجا را بهشت ثانی خواندن اغراق نیست. از میدان اصفهان که عبور کنی، از کنار چهار باغ قدم به خیابانی می‌نهی

و این معابر به اندازهای طولانی هستند که انتهای آنها دیده نمیشود، از آخرین باغ که از همه بلندتر است نهری عبور میکند و سپس دیواری آنرا محدود میسازد.

بهشت شاه عباس

توماس هربرت Thomas Herbert سیاح انگلیسی است که در هیأت سردود مورگتن Sir Dodmore Cotton در سال ۱۰۳۸ هجری قمری که مقارن با آخرین سال سلطنت شاه عباس اول است از طریق بندرعباس ولار و شیراز عازم اصفهان شده و پس از سه هفته اقامت در اصفهان برای ملاقات شاه عباس کبیر عازم اشرف (بهشهر امروز) شده است، وی سفرنامه‌ای دارد

شهر از بالای ایوان باغ هزار جریب بود. از اینجا به‌عات همواری زمین قسمت اعظم اصفهان چنان در برابر دیدگان ما دلفریبی میکرد که هیچ‌جا (جز در مزار رستم<sup>۲۱</sup>) که روی تپه‌ای در دو میلی (تزدیک به ۲۳۱۹ متر) این شهر قرار دارد) دیدن چنین منظره‌ای بدیع میسر نبود. این باغ آکنده از همه‌گونه درخت است: درختانی که از آنها دارو میگیرند، میوه میخورند و یا در سایه آنها می‌آرامند، تمامی این اشجار چنان سبز و چندان خوش‌رایحه و مطبوع است که اینجارا میتوان نمونه‌ای از مجموع روایح جانفزای جهان و یا بهشت شاه‌عباس نام نهاد<sup>۲۲</sup>.

### باغ دوازده طبقه که آنرا باغ شاه نیز می‌گفته‌اند

شوالیه ژان شاردن سیاح مشهور فرانسوی که از ۱۶۶۴ تا ۱۶۷۷ میلادی (۱۰۷۴ تا ۱۰۸۷ هجری) در دوران پادشاهی شاه‌عباس دوم و شاه سلیمان در ایران بسر میبرده است و سالها در اصفهان اقامت داشته درباره باغ هزار جریب چنین مینویسد:

این باغ از دوازده طبقه مسطح که هر یک شش یا هفت پا بالای دیگری است بنا شده که بوسیله خاک ریزه‌های کم‌شیب و با پلکان سنگی اطراف جویها بهم اتصال دارند. این باغ پاترده خیابان دارد که دوازده تایی آنها خیابانهای عرضی است که بهم راه دارند و در هر چهار تایی از این خیابانها یک جوی بزرگ آب جریان دارد که بموازات باغ عبور میکند و سه خیابان طولی باغ را از زیرسقفهای آجری طی میکند بطوریکه آنها را قطع نمی‌نماید. این سه خیابان از یک طرف به طرف دیگر باغ وصل میشود، خیابان وسط دارای نهری سنگی به عمق هشت‌انگشت (پوس) و عرض سه پاست که در هر ده قدم فواره‌هایی در آن تعبیه شده که آبرا

بها می‌جهانده پائین هر طبقه در محل آبشارها که نشیب ملایمی دارد حوضی قرار دارد که قطر آن ده‌پا و در وسط و کنارها فواره‌های متعددی دارد. این حوضها باشکال مختلف دایره و مربع و چند ضلعی است.

حوض طبقه سوم دوازده ضلعی و محیط آن ۳۰۰ پاست. در تزدیک و در دو جناح هر حوض عمارت کلاه فرنگی مرتفع با نقاشی‌های زرنگار و لاجوردی دیده میشود و در وسط طبقه ششم عمارت کلاه فرنگی قرار دارد که خیابان را قطع میکند این عمارت سه طبقه و باندازه‌ای بزرگ و وسیع است که دوپست نفر میتوانند گرد هم در آنجا بنشینند. یک عمارت در ابتدا و یک عمارت در انتهای این باغ است که از هر حیث شبیه یکدیگرند. هنگام بهار و موسم گل بخصوص موقعیکه آب فراوانست این باغ منظره عجیب و دلپسندی دارد مخصوصاً در اطراف جویها و کنار حوضها گل فراوانی کاشته‌اند و فواره‌های بی‌شماری که تا چشم کار میکند پیدااست. قفس‌های مرغان خوش-الجان در لابلای درختان آویخته شده و عطر و بوی خوش گل‌ها به مشام انسان میرسد<sup>۲۳</sup>.

### حضور شاه سلیمان صفوی در باغ هزار جریب و اجرای مراسم شترقربانی

انگلبرت کمپفر Engelbert Kämpfer سیاح مشهور آلمانی که در دوران سلطنت شاه سلیمان در اصفهان بوده است و مشاهدات خود را بصورت سفرنامه‌ای تحت عنوان: در دزبار شاهنشاه ایران بطبع رسانیده است در مورد باغ هزار جریب و توجه شاه سلیمان صفوی به این باغ و اجرای مراسم شترقربانی مطالبی نوشته است که بترتیب ابتدا آنچه را درباره توصیف باغ مزبور به نگارش درآورده ذکر میکنیم و سپس به نقل آنچه

صفحه مقابل: منظره چهارباغ در اواخر عهد قاجاریه (از سفرنامه دیولافوآ).

درباره اجرای مراسم شترقربانی در حضور شاه به رشته تحریر درآورده می‌پردازیم:

### ۱- توصیف باغ هزار جریب:

وجه تسمیه هزار جریب بر حسب سطحی است که آن باغ اشغال کرده است. شاه بیش از همه دوست دارد به این باغ برود و به همین دلیل من باختصار به شرح آن می‌پردازم.

اراضی باغ شیب مختصری دارد و میتوان گفت تقریباً مربع است و طول و عرض آن به بیش از یک هزار و سیصد قدم در عرض و طول میرسد. با دیواری که از وسط آن به صورت مایل کشیده شده این باغ به دو باغ تقسیم گردیده است و در ابتدا منظور این بوده که اهل حرم بتوانند در طول مدتی که شاه با ملازمانش در قسمت جلو درنگ کرده است در باغ عقبی بسر برند، پادشاه فعلی این فاصله را بیش از اندازه مطلوب دید و به همین دلیل در یک گوشه دورافتاده باغ جلویی جائی برای اقامت اهل حرم بنا نمود.

تمام سطح باغ با خیابانهایی که به فاصله هشتاد قدم از یکدیگر در عرض

۲۱ - مزار رستم وجود ندارد و آنچه در خط التراس این کوه در جنوب اصفهان مشاهده میشود محلی است که آنرا تخت رستم مینامند.

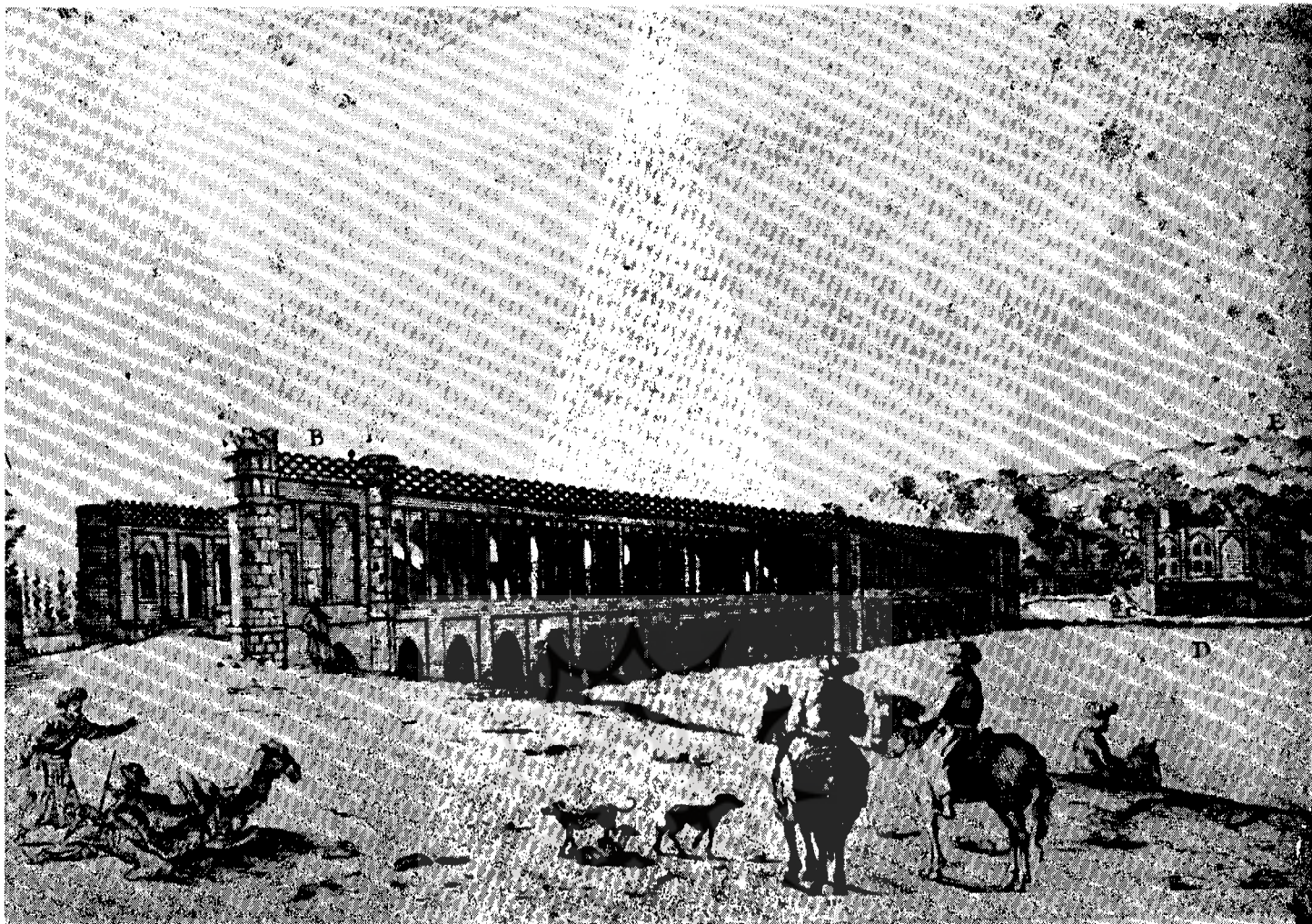
۲۲ - تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران تألیف ابوالقاسم طاهری چاپ تهران صفحه ۳۳۳.

۲۳ - سفرنامه شوالیه ژان شاردن فرانسوی ترجمه حسین عربی صفحه ۱۲۰.









تصویر دیگری از پل الهوردی خان یا پل چهار باغ نقاشی کرنلیوس دوبروین در سال ۱۷۰۴ میلادی .

### ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

راه می افتد. این جویها سراسر باغ را مشروب میکنند و گاه به آبگیرهایی تبدیل میشود که درختان و باغچه ها رشد و نمو قابل ملاحظه ای داشته باشد.

در قسمتی از باغچه ها انواع گیاه و سبزی و در قسمتی دیگر درختان میوه (در گروه های معین) کاشته اند مثلاً ، به ، انار ، زردآلو ، هلو ، آلو ، زرشک و غیره ، در مواضع دیگر به متنوع ترین گیاه های زینتی برمیخوریم که از آن جمله قابل ذکر است گل سرخهای چینی و ایرانی و سه نوع مختلف یاسمن از اینها گذشته

و طول آن احداث شده به مربع هائی تقسیم گردیده است، کف زمین شنی است و خشک ولی با سه رشته نهری که از زاینده رود منشعب است آباد و سبز و خرم میشود. یکی از آنها چشه نامیده میشود و در فاصله سه ساعت راه در قسمت علیا از بستر رودخانه جدا میگردد در حالی که دو نهر دیگر به نام های بیست و پنجه و آب نیل به طرف جلفا سرازیر میشود. نهری که در ابتدا از آن نام بردیم به موازات دیوار خارجی بزرگ جنوبی جریان دارد و از آنجا در جویهای کوچکتر در طول خیابانها

Cristal Pavonis Breynii ، بیدمشک که نزد گیاه شناسان ما تا کنون نشناخته مانده است و درخت زیتون، دور چندتائی از خیابان های این باغ چنار کاشته اند ، بخصوص آنهایی که در جهت طول باغ قرار گرفته است. برخلاف این خیابانها ، خیابانهای دیگر فاقد هر نوع زینتی است، اما در عوض اطراف خیابانی که موازی با دیوار باغ است کاج غرس کرده اند . خیابان مشجروسطی که درست ادامه و دنباله چهار باغ است و در هر دو طرف دو ردیف چنار بلند دارد زینت اصلی باغ

راه می افتد. این جویها سراسر باغ را مشروب میکنند و گاه به آبگیرهایی تبدیل میشود که درختان و باغچه ها رشد و نمو قابل ملاحظه ای داشته باشد.

در قسمتی از باغچه ها انواع گیاه و سبزی و در قسمتی دیگر درختان میوه (در گروه های معین) کاشته اند مثلاً ، به ، انار ، زردآلو ، هلو ، آلو ، زرشک و غیره ، در مواضع دیگر به متنوع ترین گیاه های زینتی برمیخوریم که از آن جمله قابل ذکر است گل سرخهای چینی و ایرانی و سه نوع مختلف یاسمن از اینها گذشته

و طول آن احداث شده به مربع هائی تقسیم گردیده است، کف زمین شنی است و خشک ولی با سه رشته نهری که از زاینده رود منشعب است آباد و سبز و خرم میشود. یکی از آنها چشه نامیده میشود و در فاصله سه ساعت راه در قسمت علیا از بستر رودخانه جدا میگردد در حالی که دو نهر دیگر به نام های بیست و پنجه و آب نیل به طرف جلفا سرازیر میشود. نهری که در ابتدا از آن نام بردیم به موازات دیوار خارجی بزرگ جنوبی جریان دارد و از آنجا در جویهای کوچکتر در طول خیابانها



هزار جریب به شمار می‌رود. در وسط جوئی که دو قدم عمق دارد و آنرا از سنگهای چهار گوش ساخته‌اند جاری است، این جوی از دور افتاده‌ترین عمارت باغ عقبی شروع می‌شود و تا دهلیز کاخ ادامه پیدا می‌کند و مقدار شگفت‌انگیزی آب دارد که گاه آرام در جریان است، گاه از لوله‌ها می‌جوشد و می‌خروشد، گاه در آبگیرها ظاهراً بی‌حرکت مانده است و گاه نیز از پله‌های مرمرین فرو میریزد و غوغا به پا می‌کند. جلو مدخل دهلیز جریان آب ناپدید می‌شود تا باردیگر در آن سوی قصر ظاهر گردد و به بازی خود در چهار باغ ادامه دهد.

از محاسن دیگر باغ هزار جریب دو استخر وسیع هشت ضلعی قابل ذکر است که آنها را از سنگهایی که به دقت صیقلی شده ساخته‌اند و در وسط دونیمه باغ واقع شده است. سطح این استخر را با یک قایق میتوان در نور دید و از منظره فواره‌های پر قدرت میان آن و همچنین فواره‌های کوچک کنار استخر لذت برد. در کنار استخر ساختمانهای کوچک آجری تعبیه کرده‌اند که با قوسهای بزرگی به همه اطراف باز است و در بیننده تأثیر مطبوع غیر آشنائی به جا می‌گذارد. در دو طرف آبشارها پله‌هایی سنگی کار گذارده‌اند تا کار مشکل صعود از آن موضع را تسهیل کرده باشند.

رشته خیابان بزرگی که در وسط قرار دارد و در طرفین آن چنار کاشته‌اند با سه ساختمان قطع می‌شود، یکی از آنها در مدخل باغ قرار دارد و در عین حال حاکی از این است که چهار باغ به انتهای رسیده، ساختمان دوم در تقاطع خیابان مشجر و دیوار بین دو قسمت باغ یعنی درست در مرکز باغ هزار جریب واقع است. سومین عمارت سرانجام در پایان این خیابان مشجر بنا گردیده است، همه این‌ها چهار گوش تقریباً مرتفع و مطابق قواعد معماری ایران با سلیقه بسیار از

آجر ساخته شده است. یک عمارت مخصوص زنان که به سیاق خوابگاههای عمومی یا کاروانسراها به ردیف حجره‌های پهلوی هم تقسیم شده این میدان چهار گوش را درست در وسط مسدود میکند، بلافاصله پس از آن راه سواره‌رو با ستونها و میله‌ها آغاز می‌شود، در این راه نیز بعضی آبگیرها و فواره‌ها تعبیه کرده‌اند.

از این گذشته باید از چهار کبوترخانه یاد کرد که معمار در چهار گوشه زمین بنا کرده است. این‌ها را به شکل برج قلعه‌ها و از خشت خام ساخته‌اند. سقف آن دارای سوراخهای متعددی برای کبوترهاست و کنگره‌ای نیز برای آن ساخته‌اند، در میشود که کبوتران در آنها قرار می‌گیرند. داخل آن‌ها هزارها لانه ردیف هم دیده منظور از ساختن این کبوترخانه‌ها فقط این است که فضله کبوتر را که به کار کود دادن صیفی کاری و تاکستانها - هر سال دوبار - می‌خورد به دست آورند. به کبوتران نیز کسی صدمه و زیانی نمی‌رساند، اما اغلب این برجهای مخصوص کبوتر را از آن جهت می‌سازند که به خانه آبرو و حیثیتی بدهند. زیرا این کبوترخانه‌ها از سایر بناها مرتفع تر است و از دور نگاه بیگانگان را به خود جلب میکند<sup>۴</sup>.

#### ۴- مراسم شتر قربانی در باغ هزار جریب:

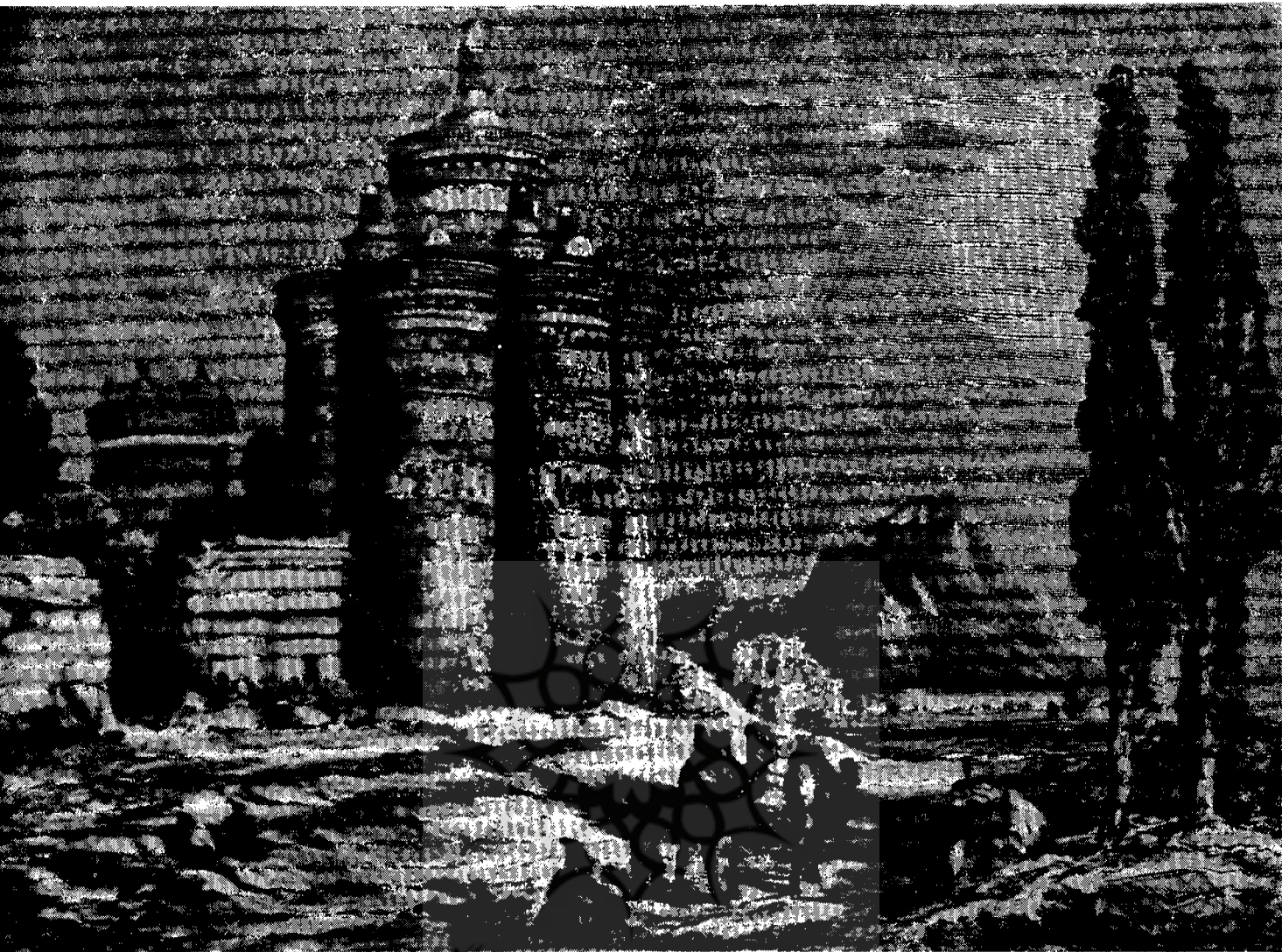
بطوریکه انگلبرت کمپفر نوشته است برنامه اسب سواریهای شاه سلیمان در ماههای تابستان تقریباً هر روز به محض اینکه در بعد از ظهر از شدت هوا کاسته شد انجام می‌گیرد مگر آنکه حال شاه خوش نباشد و یا آنکه ستاره‌شناسان با ملاحظه علائم فلکی او را از خارج شدن از منزل منع کرده باشند، مقصد این گردش یکی از باغهای تفرجگاه خارج شهر است، اغلب به باغ هزار جریب می‌روند و شاه با همراهانش با سهولت از چهار باغ می‌گذرد و بمقصد خویش میرسد. در آنجا شاه پیاده مختصری

گردش میکند و یا در جائی به استراحت می‌پردازد یا اوقات خود را بازی و ورزش می‌گذرانند و شبانگاه دوباره به حرمرسا باز می‌گردند.

**انگلبرت کمپفر در دهم ذی الحجه سال ۱۰۹۵ هجری در آئین اجرای مراسم شتر قربانی که در باغ هزار جریب و در حضور شاه سلیمان صفوی انجام گرفته است حضور داشته، وی این مراسم را نقاشی کرده که عکس آن در این مقاله از نظر خوانندگان می‌گذرد، وی درباره برگراری مراسم مزبور چنین نوشته است:**

اول همه سکنه اصفهان محله به محله در جائی که قرار بود قربانی انجام گیرد و در نزدیکی باغ هزار جریب واقع است حاضر شده بودند، حیوانی را که قرار بود قربانی شود یعنی یک شتر سالم پروار از بهترین نوع و نژاد با یک قالیچه ارغوانی پوشانده، به بهترین نحو آرایش کرده و از ده روز پیش از عید قربان با صدای طبل و نقره در تمام کوچه‌های شهر گردانده بودند. شتر در روز عید با پاهای بسته بر روی زمین خوابیده بود و چند هزار تن از مردم او را احاطه کرده بودند، بسیاری از تماشاکنندگان مقابر مجاور یا نرده باغها را اشغال کرده بودند تا از آنجا نمایش را مشاهده کنند، دیگر تمام چشم‌ها در انتظار ورود شاه بود تا با دستهای مقدس خود قربانی را شروع کند. همین که شاه به محل قربانی رسید و از اسب فرود آمد داروغه اصفهان نیزه‌ای بوی تقدیم داشت تا حیوان قربانی را با آن بکشد، شاه سه بار بر نیزه بوسه داد و پس از آن آنرا به داروغه برگرداند و داروغه با آن چنان زخم عمیقی به سینه حیوان وارد کرد که هنگام بیرون کشیدن نیزه، حیوان دیگر بزمین در غلطیده بود، اکنون دیگر برجسته‌ترین مردم شهر از اطراف

۲۴ - در دربار شاهنشاه ایران تألیف انگلبرت کمپفر ترجمه کی‌کاس جهانمندی صفحه ۲۱۵ .



منظره باغ هزارگریب و برج کبوتر آن (از سفرنامه دیولافوآ).

شاه بیعد مردم دسته دسته بطرف محله‌های خود براه افتادند تا گوشت قربانی را بین محترمین تقسیم کنند. هنوز درست مردم از آن محل دور نشده بودند که اراذل و اوباش با کشیدن نعره به بقایای قربانی حمله‌ور شدند و آنرا با فضولات حیوان و خونی که از او جاری بود با دعوا و زدوخورد غارت کردند حتی آثارخون را نیز با پارچه‌های ابریشمی به‌دقت تمام از زمین ستردند که پس از رفتن آنها غیرممکن بود به‌محل قربانی پی‌برد، آنها

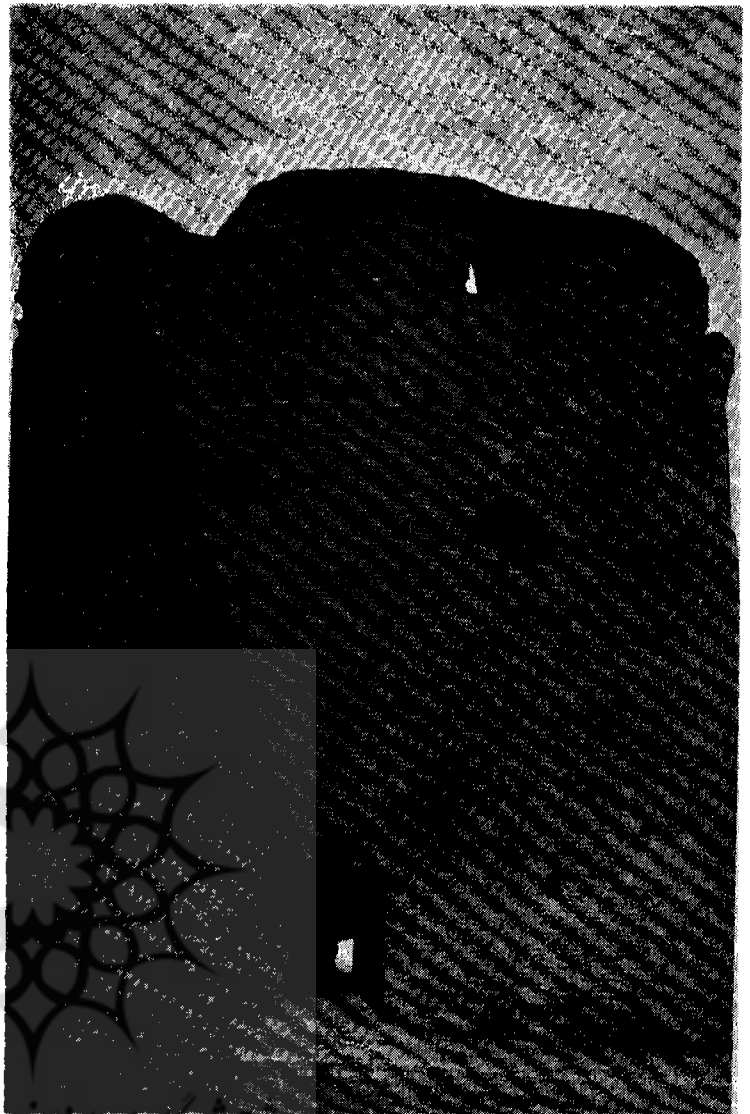
شاه براسب سوار شد و بهمان ترتیب بعد از ظهر آنروز بشهر بازگشت، مردم بدور بیرقهای خود جمع شدند و سهم قربانی خود را که سواری آنرا جلوی خود بروی اسب گذارده بود بطرف محله خود بردند و با زدن بوق و طبل درست حکم قشون ظفرنمونی را پیدا کرده بودند. درطول چهارباغ تا میدان بزرگ، جمعیت چون سیلی بی‌وقفه و در عین حال درکمال نظم حرکت کرد بدون اینکه بین حیدریها و نعمتی‌ها زدوخوردی روی دهد، از میدان

هجوم آوردند تا با دست خود در کار قربانی شریک شوند، بدو گلوی شتر را بریدند سر را از تن حیوان جدا کردند و بدون اینکه پوست آنرا بکنند آنرا به دوازده قسمت تقسیم کردند و هر یک از این قسمت‌ها را هدیه یکی از دوازده محله شهر نمودند، جمجمه و احشاء حیوان را در حبسیری پیچیدند و به احترام آشپزخانه شاهی به کناری نهادند تا در صورت تمایل مورد استفاده قرار گیرد. هنگامی که این کارها انجام شد باز



سیاح ایتالیایی که در سال ۱۱۰۵ هجری قمری بهنگام فوت شاه سلیمان صفوی و تاجگذاری شاهسلطان حسین در اصفهان بوده پس از توصیف چهارباغ شاه عباسی از باغ هزارجریب بشرح زیر یاد میکند: اینجا سربالائی آغاز و راه به دو قسمت میشود: یکی از این دو راه که در طول آن خانه‌های کوچک فراوانی با سردرهایی زیبا دیده میشود به باغ سرسبز شاه میرسد، در این باغ انواع درختان کاشته شده است، از اینجا به باغ هزارجریب گذشتیم، این باغ سه میل طول و یک میل عرض دارد، سردر منقش عالی آن با دو ردیف ایوان به شیوه اروپائی با طلا و لاجورد تزئین یافته و در چهار گوشه آن چهار برج بنا گردیده که در بالای آنها لانه‌هایی برای کبوتران تعبیه شده است، جوی آبی نیز از وسط باغ میگذرد که دیوار و کف آن از سنگ تراش است و از این جوی به تمام قسمت‌های باغ رشته‌ای آب کشیده و آبشارهای زیبا و حوضهای متعددی که عکس چنارهای اطراف در آنها نمایان است ترتیب داده و منظره‌ای شاعرانه ایجاد نموده‌اند. در گوشه‌ای از این باغ کنار استخری دو عمارت کوچک زیبا به سبک مراکشی بنا شده که پادشاه در فصل تابستان و گرما در آنها به استراحت میپردازد همچنین ایوانهای متعددی برای استراحت افسراد خاندان شاهی ساخته‌اند. در انتهای باغ عمارتی هم برای حرم سلطنتی بنا گردیده که در جلوی آن استخری وجود دارد و قایق کوچکی در روی آن دیده میشود. جویهای فرعی زیادی نیز جهت آبیاری گلها و درختان و آبیاری خیابان‌های باغ در هر طرف کشیده شده است. در گوشه دیگری از باغ حیواناتی چون پلنگ و شیر و دیگر درندگان نگاهداری میشوند. چند یوزپلنگ هم که شبیه گربه بزرگ هستند

۲۵ - رجوع شود به سفرنامه انگلبرت کمپفر تحت عنوان «در دربار شاهنشاه ایران» ترجمه کیکاووس جهاننداری صفحه ۲۳۴.



منظره موجود برج باغ هزارجریب در محوطه فعلی دانشگاه اصفهان.

کرد به تماشای تردستان و شعبده‌بازان می‌نشینند تا لااقل در محیطی باشد که جشن بر آن حاکم است. قضایای به من گفت که در این روز در اصفهان تنها بیش از یکصد هزار گوسفند قربانی شد<sup>۴۵</sup>.

درباغ هزارجریب حیوانات وحشی نیز نگاهداری میشده است

جملی کارری Gemelli Careri

که دست خالی رفتند پیشانی خود را قدری خون مالیدند تا معلوم شود آنها هم در این مراسم شرکت داشته‌اند. به هر رئیس خانوار اصفهانی به اندازه یک فندق یا یک گردو از گوشت این قربانی میرسد که آنرا با گوشت گوسفند مخلوط میکنند و می‌پزند و بعد با برنج می‌خورند، اصفهانیها بقیه روز را در میان اعضاء خانواده خود میگذرانند، هر کس در خانه سور و سروری نداشته باشد به میدانها و قهوه‌خانه‌ها میرود و هنگامیکه آخرین دینار خود را خرج

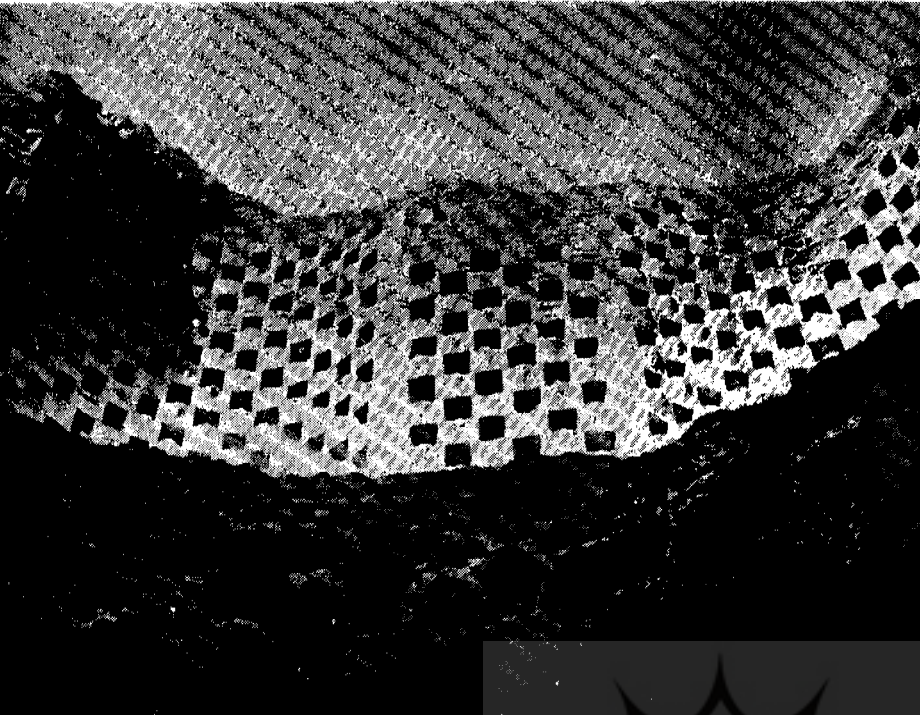
برای شکار آهو در اینجا تربیت میشوند، طرز شکار به این ترتیب است که نخست چند باز به پرواز در می‌آورند، باز بر سر شکار می‌نشینند و آنرا گپیچ میکنند و یا جلو چشمش را میگیرند و سپس یوز را باز میکنند که شکار را گرفتار سازد<sup>۳۶</sup>.

### خلع شاه طهماسب دوم از تخت سلطنت در باغ هزار جریب انجام گرفت

شاه طهماسب دوم فرزند شاه سلطان حسین یکسال پس از قلع و قمع کامل افغانه بوسیله طهماسبقلی خان (نادرقلی افشار) در جمادی‌الاولی سال ۱۱۴۳ از اصفهان با هیجده هزار سپاهی به تبریز آمد و در نزدیکی ایروان شکست سختی به عثمانیها داد و در يك جنگ قریب نه هزار تن از آنها را به هلاکت رسانید و ایروان را محاصره نمود، دولت عثمانی دونهفر از سرداران خود علی پاشا و احمد پاشا را برای تسخیر عراق عجم که در این تاریخ بی‌سرپرست بود مأموریت داد و شاه طهماسب سرعت خود را به همدان رسانید و در قریه کردخای با سپاه ترك روبرو شد و لسی شکست خورد و با نتیجه احمد پاشا کرمانشاه و همدان را گرفت و علی پاشا مراغه و تبریز را و شاه طهماسب به اصفهان گریخت.

احمد پاشا چون از طهماسبقلی خان که در این موقع مشغول انجام فتوحاتی در افغانستان بود وحشت داشت فوراً از در صلح درآمد و در بغداد معاهده‌ای بین او و شاه طهماسب منعقد شد و شاه طهماسب حاضر شد که با حفظ تبریز و اردلان و لرستان و همدان و کرمانشاهان و لایات آنظر فارس یعنی گنجه و تفلیس و ایروان و نخجوان و داغستان را به عثمانی واگذارد ولی ابتدا راجع به پس گرفتن اسرای ایرانی صحبتی نکرد و آنها همچنان در چنگ ترکها ماندند.

متن این معاهده را معیر الممالک در



منظره داخل يك برج كبوتر در باغ هزار جریب .

و مستی زد و در این حال حرکتی ناپسند از وی سر زد و طهماسبقلی خان تمام این اعمال را بچشم ارکانی که قبلاً به خلعت سرافراز شده بودند کشید و باین بهانه که چنین کسی دیگر لیاقت سلطنت ندارد طهماسب دوم را در پنجم ربیع‌الاول ۱۱۴۵ از سلطنت خلع نمود و طفل شیرخوارش عباس میرزا را که شاه عباس سوم باشد نامزد پادشاهی نمود<sup>۳۷</sup>.

### خلع شاه طهماسب دوم از سلطنت در باغ هزار جریب اصفهان صورت گرفت

و از بین نویسندگان تاریخ اصفهان کسی که به تفصیل این واقعه را نگاشته است آقا محمد مهدی ارباب مؤلف کتاب «نصف جهان فی تعریف الاصفهان» است، وی نوشته است که طهماسبقلی خان پس از رؤیت متن معاهده شاه طهماسب با دولت

هرات نزد طهماسبقلی خان برد ولی وی از شدت خشم آنرا امضاء نکرد و بتوسط سفیر عثمانی که در اردو بود به باب عالی پیغام داد که یا تمامی ولایات ایران را واگذار کند و یا آماده جنگ باشد و خود نیز پس از فتح هرات راه بغداد را پیش گرفت.

طهماسبقلی خان بعد از آنکه بتمام ولایات ایران لغو بودن معاهده شاه طهماسب را با عثمانی اطلاع داد و مسأله مستخلص نشدن اسرای ایرانی را با آب و تاب تمام تقبیح نمود با وجود اصراری که شاه در حرکت مستقیم او بسوی بغداد داشت ابتدا به اصفهان آمد و پس از مطمئن کردن خاطر او شاه طهماسب را در همان موقع که عازم عراق عرب بود به سان سپاه دعوت نمود و از شاه با نهایت کوچکی پذیرائی کرد و به ارکان دولت او خلعت‌های نفیس بخشید، شاه بخواهش طهماسبقلی خان شب‌را نیز در اردو ماند و دست به باده گساری



عثمانی آنچنان خشمگین شد که دست از فتوحات خود در افغانستان برداشته و عنان بجناب اصفهان براند و چون بشهر نزدیک شد عریضه‌ای بحضور شاه فرستاد و اورا از حرکت و قرب وصول خود آگاه نمود. شاه طهماسب نیز باغ هزار جریب را جهت اقامت او تعیین نمود و خود در کاخ آینه‌خانه<sup>۲۸</sup> جلوس نموده و امرا را بار داده بود که طهماسب‌قلی‌خان رسید و تعظیم تمام بجای آورد و اظهار داشت که چون تحمل معاهده با دولت عثمانی برای من امکان‌پذیر نبود و عثمانیها گستاخی‌ها را به‌نهایت رسانده‌اند بخاک پای مبارک‌حاضر شدم تا رخصت‌جنگ حاصل نموده بصوب ایشان بشتابم ولی چون شاه طهماسب بتازگی این معاهده را امضاء کرده بود صحبت و مذاکره در اطراف این موضوع را بطرفه می‌گذرانید لذا طهماسب‌قلی‌خان در صدد اجرای تصمیمی که در ضمیر خود می‌پروراند برآمد و از پادشاه تقاضا کرد که چون مذاکرات محرمانه‌ای دارد منزلی را که برای اقامت وی تعیین شده بود، یعنی باغ هزار جریب را، بقدم خود منور فرمایند تا اکمال بنده‌نوازی شده و بتواند مستدعیات خود را بعرض برساند و شاه استدعای اورا قبول نموده و مرخص فرمود و روز دیگر به باغ هزار جریب تزلزل اجلال نمود و چون به باغ مزبور رسید طهماسب‌قلی‌خان از باغ به استقبال و پذیرائی از شاه طهماسب بیرون آمده و پیاده در رکاب وی داخل باغ شده و تا نزدیک عمارت رسید پاندازه‌های لایق و پیش‌کشا گذرانده و بساط عیش و نوش برای وی بگسترده و شب آنروز نیز به پذیرائی از پادشاه مفتخر گردید و چون شاه طهماسب چندان باده پیموده بود که روز دیگر با برآمدن آفتاب هنوز در جامه خواب مست و مخمور افتاده بود طهماسب‌قلی‌خان که نقشه او درست بموقع اجرا درآمده بود شاه طهماسب را در آنحالت به‌امرا و بزرگان و سرداران سپاه نشان داد و گفت

این است پادشاه شما ۱ و آیا چنین کسی لیاقت مقام سلطنت دارد؟ امراء و بزرگان هم با وی هم‌عقیده شده و به‌عزل او تن در دادند و روز دیگر شاه طهماسب را در تخت روان سوار نموده و از باغ هزار جریب از راه بیابان به‌خراسان بردند آنگاه در عمارت طالار طویل<sup>۲۹</sup> که از عمارات

۲۶ - سفرنامه جملی کاری، ترجمه فارسی، چاپ تبریز صفحه ۶۷ و ۶۸.  
 ۲۷ - تاریخ عمومی و ایران تألیف عباس اقبال چاپ تهران ۱۳۱۹ صفحه ۳۰۸ و ۳۰۹.  
 ۲۸ - در باغ وسیع سعادت‌آباد بین پل المهوردیخان و پل شاهی (خواجه) قصرهایی وجود داشته که معروفترین آنها هفت دست و عمارت آینه‌خانه و عمارت نمکدان بوده است. عمارت آینه‌خانه مشتمل بر تالاری شگرف و عالی در ساحل جنوبی زاینده‌رود بین پل خواجه و پل جویی قرار داشته است و هیجده ستون مزین آینه‌کاری طاق مجلل آینه آنرا نگاه میداشته است و عمارتی شبیه به چهل‌ستون بوده که در آب رودخانه منعکس میشده، دیوارها و سقف آن از آینه‌هایی تزیین میشده که بیکارچه بوده و طول آنها از یک متر و نیم تا دو متر و عرض آنها کمتر از یک متر بوده است و انعکاس زاینده‌رود و بیشه‌های ساحل شمالی آن در آینه‌ها منظره‌ای جالب و دلکش بوجود می‌آورده است. از این کاخ در کتب سیاحان دوران قاجار مانند اوژن فلاندین Eugène Flaudin و کست Cost و دیولافوآ Dieulafoy تصاویری موجود است و عموماً از این کاخ مشهور دوره صفوی بنام Palais de Miroire یاد کرده‌اند. کاخ آینه‌خانه و هفت دست بطوریکه نویسندگان یک قرن اخیر تاریخ اصفهان نوشته‌اند در دوره حکومت مسعود میرزا ظل‌السلطان منهدم شده است.

۲۹ - جنب عمارت عالی‌قاپو باقی بوده و در وسط آن تالاری باحوض مرمر و فواره‌های متعدد وجود داشته است که آنرا (تالار طویل) مینامیدند و در خیابان وسط که مقابل عمارت بوده است از هر طرف نه‌آخور بوده که روزهای رسمی مانند پذیرائی سفرا، زیباترین اسبهای سلطنتی را با زنجیرهای طلا به میخهای طلا میبستند، بیراق و زین و برگ اسبها از طلا و مرصع به‌جواهرات بوده است و نیز کلیه لوازم طویل را از قبیل میخ و چکش و غیره از زرناپ ساخته بودند. سفرا و اشخاص مهمی

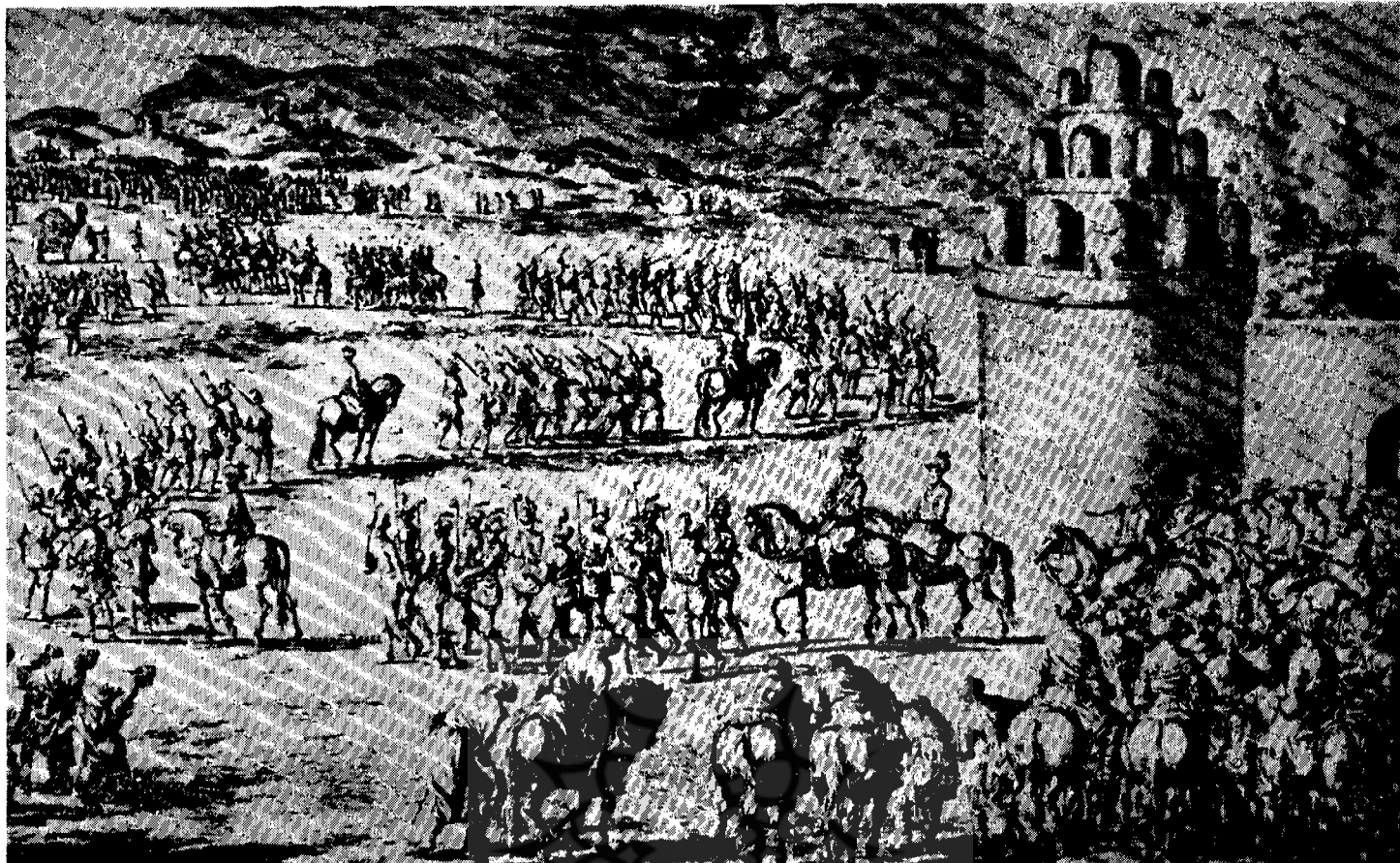
را که بحضور شاه میرسیده‌اند از این راه عبور میداده‌اند تا این دستگاه مجلل را مشاهده کنند. کتابخانه سلطنتی و «جامه‌خانه» یا «خلمت‌خانه» نیز در همین قسمت بوده است. دیگر از توابع باغ و عمارت «قهوه‌خانه» و «قلیان‌خانه» و «پیه‌خانه» برای تأمین روشنائی و «میخانه» بوده است. سقف میخانه گنبدی‌شکل بوده و در دو طرف دوشاه‌نشین داشته است حوض بزرگ تالار از سنگ سماق ساخته شده، دیوارها از سنگ‌پشم بوده و بقیه آن تا سقف، مقرنسها و رفته‌هایی بوده‌است که به‌هزاران اشکال و الوان مختلف در آنها انواع و اقسام ظروف و لوازم دیگر جای داشته است.

شاردن ضمن توصیف این بنا نوشته است که هیچ چیز فرح‌انگیزتر و شگفت‌آورتر از این عده بیشمار ظروف و قدحها و ساغرهای می نیست که از مینا و عقیق و یشم و طلا و نقره و چینی و غیره ساخته شده و چنین بنظر می‌آید که در دیوار جای گرفته و از سقف آویزان است که گویی هم‌اکنون از آن فرو میریزد. انبارهای اطراف این تالار زیبا پر از صندوقهائی است که در آنها شراب را یا در ظرفهای بزرگ و یا در قرابه‌هایی گردن‌دراز ریخته بودند که از جنس بلورهای و نیزی و باشکال مختلف، شستی، تراش و شبکه و غیره است. چون شرابه‌های خوب آسیا بسیار رنگین است از این رو می‌پسندیدند که آنرا در ظروف بلورین نگاهدارند، این شرابه‌ها از گرجستان و یا از کارامانی و شیراز به اصفهان حمل میشده است. سر ظروف شراب را با موم بسته و روی آنرا با تافته سرخ و نخ می‌بندند و همه بایسد مهر حاکم محل را داشته باشند بطوریکه هیچوقت ظروف بی‌مهر تقدیم نمیگردند. از بین کتیبه‌های متعددی که زینت بخش این بنا شده است من این کتیبه را یادداشت کردم: «حیات مستی متناوبی است» «شادی سپری میشود» «اما درد سر میماند».

شاردن در توصیف مفصلی که از حرم شاهی و عمارت‌های مختلف دیگر داده نوشته است که از این قبیل بناها تقریباً ۱۵۰ تا ۱۸۰ دستگاه وجود دارد و در آنها هشتصد تا نهصد نفر اقامت دارند.

شاه صفی نوروز سال ۱۰۵۱ هجری را در عمارت تالار طویل جشن گرفت و بارعام داد. جابری انصاری نوشته است: وجه تسمیه این تالار را که امروز وجود ندارد به «تالار تحویل‌خانه» گفته‌اند که در ساعت تحویل آفتاب به برج حمل، سلاطین صفویه در آنجا بسلام





تصویر شاه سلیمان و وزیر او شیخلیخان زنگنه در اجرای مراسم شتر قربانی در باغ هزار جریب (از سفرنامه انگلبرت کمپفر سیاح آلمانی) در این تصویر دورنمایی از ارتفاعات کوه صفا و برج کبوتر و موکب شاه سلیمان در حین ورود به باغ هزار جریب دیده میشود.

و آبناها و جویها و جدولها و حوضها داشته و الحال شالوده بعضی از آنها پیداست. عمارتش حالا از بین رفته و نقشه آبادی آن در فرنگستان و در ممالک خارجه از قدیم تا حال ثبت و ضبط گردیده است.<sup>۳۱</sup>

می‌نشسته‌اند. بعید هم نیست که برسم سلاطین، اسبهای نوبتی زین کرده شبانه‌روز در جنب عمارت پادشاهی عالی‌قاپو آماده بودند که اگر ناگهان حاجت‌افتد منتظر زین و برگ کردن شوند و این محل مخصوص اسبهای نوبتی بوده‌است.  
 ۳۰ - رجوع شود به کتاب «نصف جهان فی‌تعریف‌الاصفهان» تألیف آقامحمد مهدی ارباب چاپ تهران صفحه ۲۴۶ تا ۲۵۲.  
 ۳۱ - جغرافیای اصفهان تألیف میرزا حسین‌خان فرزند محمد ابراهیم‌خان تحویلدار چاپ تهران ۱۳۴۲ صفحه ۲۷.

خان تحویلدار اصفهان در کتاب خود بنام «جغرافیای اصفهان» که در سال ۱۲۹۴ هجری قمری و در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار برشته تحریر درآمده است راجع به باغ و قصر هزار جریب چنین مینویسد:  
 باغ هزار جریب مشهور که هزار هزار ذرع مربع سطح آنست در دامنه کوه صفا واقع شده، نهر بزرگی دارد مخصوص شرب این باغ که از رودخانه جدا میشود و به باغ مزبور وارد میگردد و از آنجا خارج نمیشود. عمارات میانش خراب و اشجار زینتی آن از میان رفته، دیوارهایش هنوز بر پاست و متن باغ در حال حاضر ساده است و غله‌کار قدیم، در این باغ قصرها و کلاه‌فرنگیها و برجها

سلطنتی صفویه و در ضلع غربی عمارت عالی‌قاپو قرار داشته است مجلسی بیاراست و عباس میرزا فرزند شیرخوار شاه طهماسب را در مهد زرین گذارده و افسر شاهی بر گهواره زدند و او را بعنوان شاه‌عباس سوم سلام دادند و خطبه سلطنت بنام او خواندند و خود طهماسب‌قلی‌خان با عنوان مقام نیابت سلطنت زمام امور را در دست گرفت.<sup>۳۰</sup>

در سال ۱۲۹۴ هجری قمری هنوز آثاری از باغ هزار جریب و عمارات آن مشاهده میشده است  
 میرزا حسین‌خان فرزند محمد ابراهیم



آقای محمد مهدی ارباب مؤلف تاریخ «نصف جهان فی تعریف الاصفهان» درباره باغ وقصر هزار جریب و توجه محمداشاه قاجار به احیاء این باغ چنین نوشته است:

چهار باغ منتهی است به پل بزرگ شاه عباس معروف به سی و سه چشمه و باز محاذی آن خیابانی بزرگ ساخته و از آن بلندی همچنان آبخاری ریز درست نموده که از بالا آب در آن حوض میریزد و محاذی این حوض و مواجه مشرق عمارت سردر عالی ساخته اند بر دروازه باغی که اول باغهای چهار باغ علیاست و به باغ زرشک معروف است و بسیار با صفا جائی بوده و این چهار باغ را نیز شاه عباس اول طرح انداخته و تمام آنرا دیگران نموده اند و به چهار باغ بالا مشهور است و این چهار باغ طویلتر از اولی میباشد ولی عرض آن کمتر است و بخوبی آن ساخته نشده و بدستور اطراف آن باغات و سردرها دارد و آنرا منتهی نموده اند به باغ عباس آباد که قریب به کوه صفه و در حقیقت در ابتدای دامنه واقع شده و بین الانام این باغ به هزار جریب اشتها دارد چه به سبب مساحت تقریباً هزار جریب است و مشتمل است بر ده قطعه که هر یک بطرف جنوب بلندتر از قطعه شمالی آنست و در هر یک چند آبشار کوچک و عمارت داشته، آبی مخصوص از رودخانه برای آن آورده بودند باغی بی مانند بوده است چنانکه بعضی از اهل فرنگ که در زمان آبادی آن باغ باصفهان آمده آنرا دیده بودند، نوشته اند که امروز در آسیا مثل این باغ موجود نیست و وضع آنرا شرح داده اند اما از ما احدی خبر درستی از آن ندارد. نهر آن که ممرش از بالای طبقه بالائی جنوبی اوست مسلط بر تمام طبقات و از مغرب بطرف مشرق جاری بوده

و بجوی سفید موسوم بوده است. در فترت افغان که همه اصفهان خراب و ویران گردید این آب نیز بعلت خرابی ممرش بایستاد و باغ روی به خرابی آورد و تا اواخر زندیه دیگر اثری از آن باقی نماند و چنان بود تا سال ۱۲۵۵ هجری که پادشاه مرحوم مبرور محمد شاه غازی انارالله برهانه باصفهان آمد، روزی در اثنای گشت نظرش بر اوایل ممر آن آب که از زاینده رود جدا نموده و برده بودند افتاد، از همراهان سؤالی از آن فرموده کسی که آگاه از آن بود حقیقت حال را بعرض رسانید، آن پادشاه بلند همت بعد از مراجعت از آنجا حکم کرد تا مهندسان رفته بازدید آنرا نموده و خرج آنرا نیز فهمیده و معروض داشتند، بر فور به منوچهرخان معتمدالدوله که از طرف او حاکم اصفهان بود مثال داد که بنا و عمله فرستاده آن ممر را درست کرده و آب را بیاورند و آنرا آباد نمایند. موافق حکم لازم الاتباعی کارکنان رفته و در همان سال به تمام آن کار پرداخته و آب را آوردند و بهمان جوی سفید باز معروف گردید تقریباً بشتر یک شعبه از نهر فرین<sup>۳۲</sup> یعنی نیمه آن بود که در مدرسه ملا عبدالله<sup>۳۳</sup> جاریست و در همان مجاری با اینکه خراب بود جاری نمودند و از آبشارهای خراب باغ ریختن گرفت و وسط باغ را خیابانی طرح انداخته درختانی از میوه و گل بکاشتند و عنقریب صورت نوعی گلستان با صفا شد و محل تفرج و تفریح مردمان گردید و تا سی سال چنین بود و ترقی و تنزل هیچکدام نداشت اما در بیست سال قبل از این (مقصود سال ۱۲۸۸ هجری قمری است) آب آنرا باز مجاوران ممر آن بردند و دوباره مثل اول گردید<sup>۳۴</sup>.

بطوریکه صاحب کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان ذکر کرده است باغ هزار جریب در دوره سلطنت محمداشاه قاجار پس از آنکه مدتها متروک مانده است مجدداً سروسامانی گرفته و بصورت

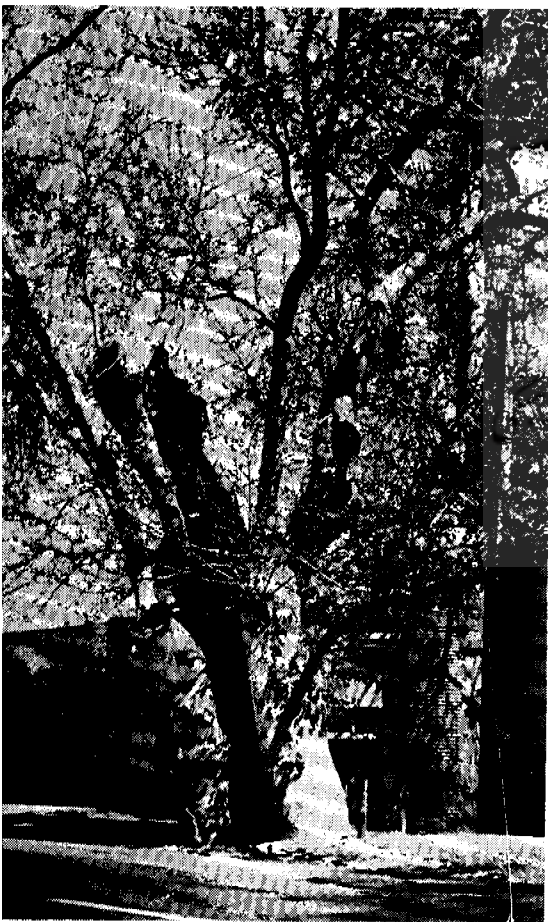
محل تفرج و تفریح اهالی اصفهان مخصوصاً مردم جلغا درآمده است ولی از سال ۱۲۸۸

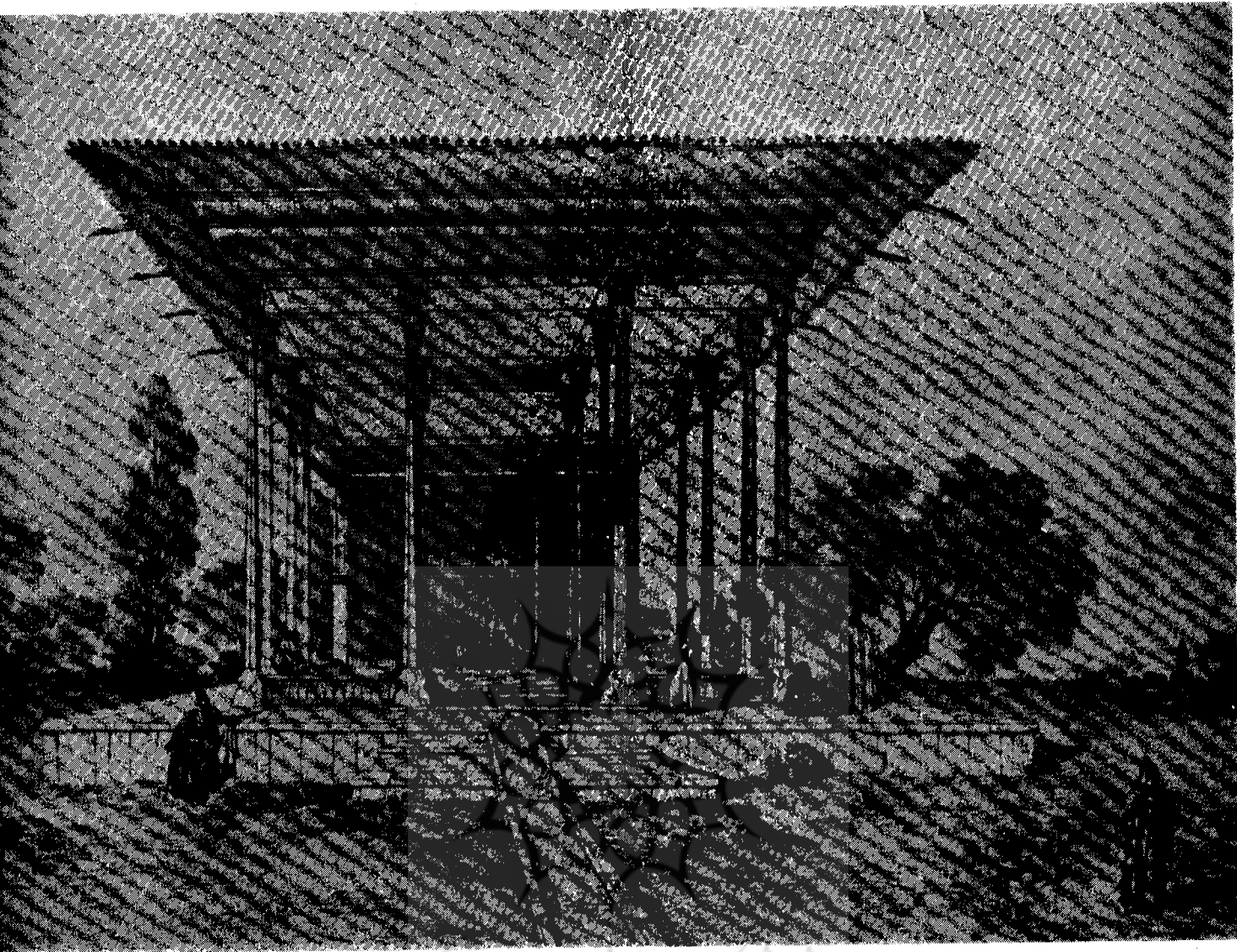
۳۲ - قَدین نام نهری است که از زاینده رود جدا میشود و از باغ چهلستون و شمال میدان نقش جهان عبور کرده و به مدرسه ملاعبدالله وارد میشود و پس از خروج از آن مدرسه نقاط دیگری از شهر اصفهان را مشروب میکند.

۳۳ - این مدرسه را شاه عباس کبیر در بازار بزرگ اصفهان برای اقامت و تدریس عالم معروف عهد او ملاعبدالله شوشتری بنا کرده است .

۳۴ - نصف جهان فی تعریف الاصفهان چاپ تهران صفحه ۴۱ و ۴۲ .

چهار باغ زرشک تنها چناری که از دوران صفویه در چهار باغ بالا باقی مانده و در مقابل باغ زرشک محل فعلی کارخانه صنایع پشم اصفهان مشاهده میشود .





تالار کاخ آینه‌خانه در ساحل زاینده‌رود از بناهای دوره شاه عباس دوم (نقاشی کرنلیوس دو بروین هلندی)

تا شش کیلومتر رشته کوهستانی واقع شده که از مغرب به مشرق امتداد دارد و نزد اهالی اصفهان و عرف عامه کوه صفه نامیده میشود. وجه تسمیه آن به کوه صفه و اینکه آیا نام «صفه» تحریف شده اسم دیگری بمرور زمان است به تحقیق معلوم نیست، همچنین بر ما مشخص نیست که

وی چنین نوشته است: خیابان چهارباغ از طرف جنوب به پارک بسیار بزرگی منتهی میشده که موسوم بوده است به هزار جریب از این باغ بزرگ و قصرهای عالی آن جز چند تپه خاکی که اثر باران شسته شده و یک برج کبوترخان چیزی بر جای نمانده است.<sup>۳۶</sup>

کوه صفه، حصار سنگی  
باغ هزار جریب

در جنوب شهر اصفهان فاصله پنج

که آب آنرا قطع کرده‌اند ویرانی در آن راه یافته‌است.

تپه‌هایی چند در محل باغ هزار جریب

دیولافوآ<sup>۳۵</sup> که از سال ۱۲۹۸ هجری قمری (۱۸۸۱ میلادی) بعد در ایران بوده و مقارن حکومت مسعود میرزا ظل‌السلطان در اصفهان سفرنامه خود را نگاشته‌است ضمن توصیف چهارباغ اصفهان به ویرانی باغ هزار جریب اشاره میکند،

35 - Dieulafoy.

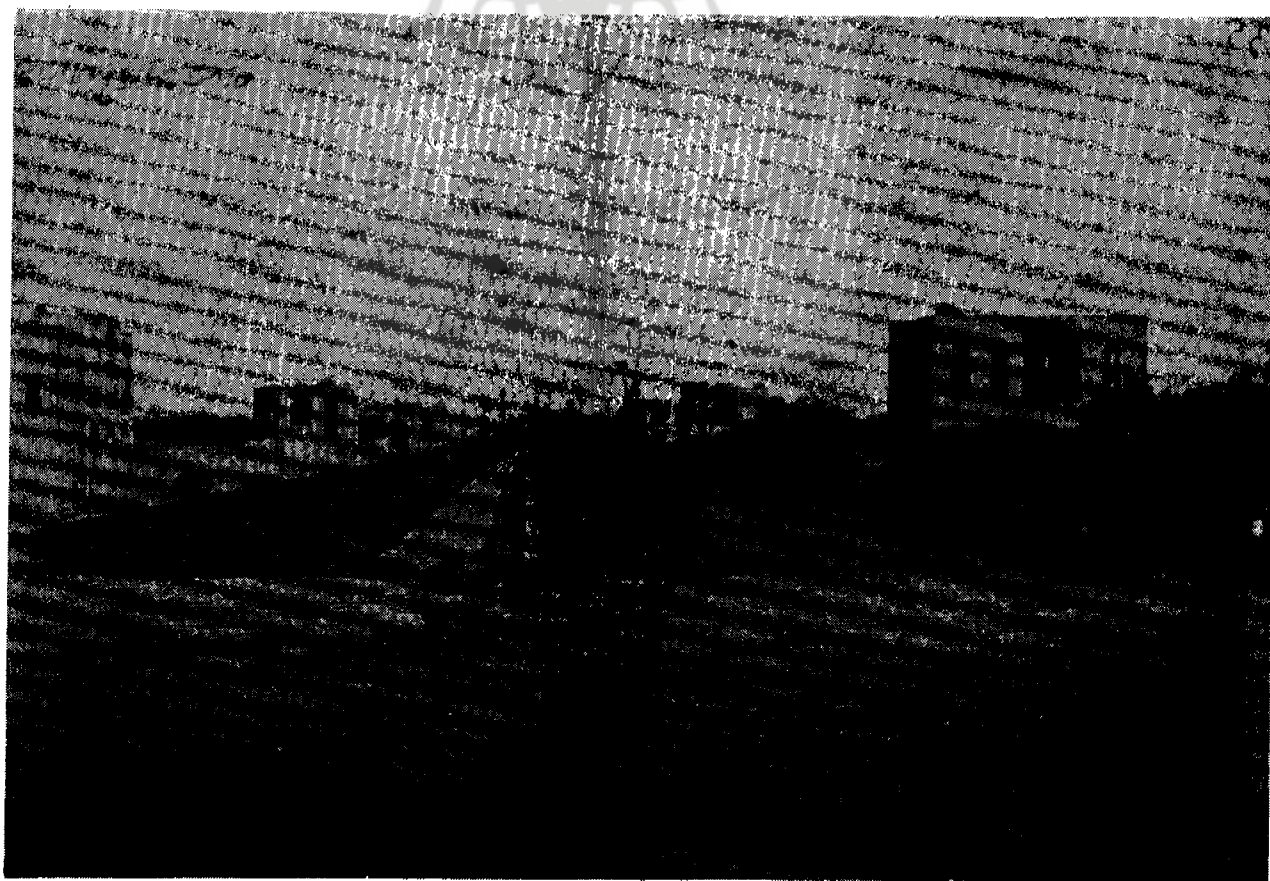
۳۶ - سفرنامه مادام دیولافوآ ترجمه فارسی چاپ تهران صفحه ۳۱۸.





منظره سردر باغ زرشك از باغهای سلطنتی دوره شاه عباس اول در اواخر عهد قاجاریه .

منظره چهارباغ بالا و عمارتهای سردر باغهای سلطنتی که تا اواخر عهد قاجاریه موجود بوده است



در روزگاران گذشته آیا این کوه نام دیگری داشته است. در نوشته‌های دیگران بعضی جاها کوه صوفی هم نام برده شده ولی این وجه تسمیه چیز دیگری بجز همان تحریف اسم صفا نیست، ظاهراً بیشتر شکل کوه و قسمت صفا مانندی که در دل کوه موجود میشود و ایوان و صفه‌ای مشرف به اراضی جنوبی اصفهان پدیدار میسازد موجب شده است که در عرف تلفظ عامه نام صفا به آن داده شده است. بهرحال این رشته کوهستان مضرس و خوش تراش طبیعی که خود زیبایی دیگری به جلگه اصفهان می‌بخشد به مشابه یک دیوار عظیم سنگی، نمای جنوبی باغ شاه هزار جریب را تشکیل میداده است.<sup>۳۷</sup>

کوه صفا از طرف مشرق با فاصله کمی به کوه مرتفع دیگری بنام شاه کوه متصل میشود و از طرف مغرب تا کوه‌های لنجان ادامه پیدا میکند و منطقه‌ای کوهستانی بوجود می‌آید که اطراف آن تقریباً به چهار فرسنگ بالغ میشود و در مغرب و مشرق آن دو گردنه پدیدار میگردد: گردنه غربی در اصطلاح محلی در حال حاضر به گردنه سنگ آسیا و گردنه شرقی بنام گردنه لاشتر مشهور است.

بر فراز این کوه آثار و قلاع متعدد چندی وجود دارد که به اسامی مختلف مانند قلعه دیو و تخت رستم معروف میباشد، بعضی از این آثار در قلعه کوه و برخی دیگر در کمرگاه آن قرار دارد و در نزدیکی یا کنار بسیاری از این آثار چشمه آب کوچکی وجود داشته که در هنگام محاصره مورد استفاده قلعه نشینان قرار میگرفته است.

اگر از دامنه کوه صفا بالا رویم و پس از گذشتن از جاده باریکی که در کنار برج کوچکی که در نزدیکی آن چشمه‌ای و درخت چنار بزرگی واقع است به سمت بالا حرکت کنیم و خود را به خط الراس کوه برسانیم به آثار قلعه‌ای میرسیم که از همه قلاع دیگر کوه صفا بزرگتر است

و آنرا قلعه دیو مینامند و اگر از این قلعه بسوی مغرب حرکت کنیم به آثار و قلاع دیگری میرسیم که در دوره سلاجقه مورد استفاده باطنیان و پیروان حسن صباح قرار داشته است و مهمترین آنها قلعه بزی و شاهنر است و از فراز کوه معروف به «پوزه قلعه بزی» کوه صفا و شاه کوه و گردنه سنگ آسیا واضح و روشن در چشم‌انداز می‌آید و در ایام سابق از قلعه کوه صفا و شاه کوه میتوانسته‌اند با کوه قلعه بزی علائمی مخابره کنند. نام بعضی چشمه‌های طبیعی این کوه مانند چشمه درویش و چشمه پای چنار و چشمه نقط و چشمه گل زرد هنوز باقی است و کوهنوردان اصفهانی پیوسته از آنها دیدن میکنند.

مقرببلاقی شاه سلیمان در کوه صفا

### و میل شاطر دوانی

انگلبرت کمپفر پس از توصیف باغ هزار جریب درباره کوه صفا و مقرببلاقی شاه سلیمان چنین نوشته است:

در آن سوی باغ هزار جریب و تقریباً با دویست متر فاصله از آن در دامنه کوه صفا یک تفریحگاه کوچک تائستانی است که آنرا به تبعیت از نام سازنده آن یعنی شاه فعلی تخت سلیمان نامیده‌اند.

در حین صعود و گذشتن از زمین‌های شنی ما در طرف راست خود گبرستان یعنی محل اقامت زرتشتیان و همچنین گورستان گسترده حومه ارمنی نشین را می‌بینیم، در طرف چپ ما تپه مخصوص دفن اجساد گبرها قرار دارد. برجی را که قبلاً بر فراز آن قرار داشت وپارسی‌ها اجساد مردگان خود را بر بالای آن می‌گذاشتند شاه عباس دوم از باغ هزار جریب با گلوله توپ ویران کرد زیرا نمی‌خواست ناظر اجرای مناسک غیر اسلامی در نزدیک باغ خود باشد.

کمی آن طرف تر برج دیگری دیده

میشود که در حدود یکساعت راه (یک فرسنگ که معادل است با شش کیلومتر) از حوزه دربار فاصله دارد، به این برج «میل شاطر دوانی» میگویند. اصل مطلب از این قرار است: اگر کسی تقاضا کند که جزو شاطران شاه پذیرفته شود باید از عهده امتحانی برآید و آن چنین است که وی باید فاصله بین میدان شاه تا میل شاطر دوانی را دوازده بار طی کند و برای اثبات اینکه درست از عهده امتحان برآمده است هر بار نیزه‌ای با خود بر میدارد و آنرا در مقصد میگذارد و باز از مقصد نیزه دیگری با خود برمیگرداند. یک چنین واقعه ورزشی در حضور درباریان و اهل شهر که به شوق آمده‌اند انجام میگردد. اصفهانی‌ها در دو طرف مسیر دوندگی می‌ایستند و با نواختن موسیقی و فریادهای هلهله دونده را تشویق میکنند. دونده هیچ حق ندارد که در اثنای راه استراحت کند. ادرار کند یا چیزی بیاشامد. هرگاه وی در فاصله بین طلوع و غروب آفتاب مسافت مقرر را دوازده بار طی کرد (که مسافتی در حدود ۷۲ کیلومتر میشود) دیگر وی در سلك شاطران شاه درآمده و مزد خوبی از دربار میگردد.

رؤیت تخت سلیمان بیننده‌ها اندوهناک و ناراحت میکند. کارگرانی که بیگاری داده‌اند این بنا را در صخره‌های پرپرنگاه ساخته‌اند. این ساختمان عبارت است از چهار صفا کم‌عرض که در طول روی یکدیگر قرار گرفته است. باید از پله‌هایی که آنها را بعضاً در دل صخره کنده‌اند بالا

۳۷ - استاد سعید نفیسی در یکی از تألیفات خود بنام «ماه نخشب» آنجا که از مرداوین زیاری و جشن مشهور سده سال ۳۲۳ هجری قمری که به فرمان او در ساحل زاینده‌رود ترتیب داده شده سخن میگوید از این کوه نزدیک شهر اصفهان بنام «گرم کوه» نام برده و توضیح داده شده که این کوه در آترمانس باین نام موسوم بوده است (ماه نخشب چاپ تهران صفحه ۶۴).



میتوان به آنها دست یافت. یک رشته دیگر از این سلسله جبال، تقریباً به مسافت یک فرسنگی که نام رستم پهلوان افسانه‌ای ایران را بر خود دارد در قلّه خود دارای ویرانه‌های برجی است که من با بهجان خریدن خطر به تحقیق در آن پرداختم. به مسافت کمی از آن، یعنی پای کوه غاری هست که بندیان هندی در اوقات معین در آنجا جشن‌های خود را برپا میکنند.

با آنچه گفته شد من به پایان شرح خود از باغهای پادشاه رسیدم که هر چند مشرق‌زمین برتری دارد. اما به هر تقدیر هسپریدها<sup>۲۸</sup> مقایسه کرد باز میتوان گفت که از نظر زیبایی بر باغهای تمام پادشاهان نتوان آنها را با باغهای سمیرامیس یا من آنها را با باغهای امرای مغرب‌زمین خودمان در یک ردیف نمی‌دانم زیرا باغهای ما هرگز از نظر جلال و ابهت به پای آنها نمی‌رسد و حتی من ادعا میکنم که هیچ کس مانند شاه و اسلافش در عرصه زمین باغهایی به این زیبایی و نظم و ترتیب احداث نکرده است و از آنها نگاه‌داری نمیکند آنهم نه تنها در پایتخت بلکه حتی در دورافتاده‌ترین شهرها و نقاط.

هیچکس مانند شاه ایران برای نگاه‌داری باغها مبالغی به این گزافی را به این سهولت خرج نمیکند. زیرا هیچ لذتی برای ایرانیان برتر از این نیست که با زنباریشان به گوشه دنج و آسوده باغی که گیاهان و درختان آنرا خودشان با دقت بسیار و به سلیقه شخصی غرس کرده‌اند پناه برند، آنها از اینکه باغهای جدیدی در بد آب و هوایترین و دورافتاده‌ترین نقاط ایجاد کنند و اهمه‌ای ندارند شاه عباس کبیر که پایتخت کشور را از قزوین به اصفهان

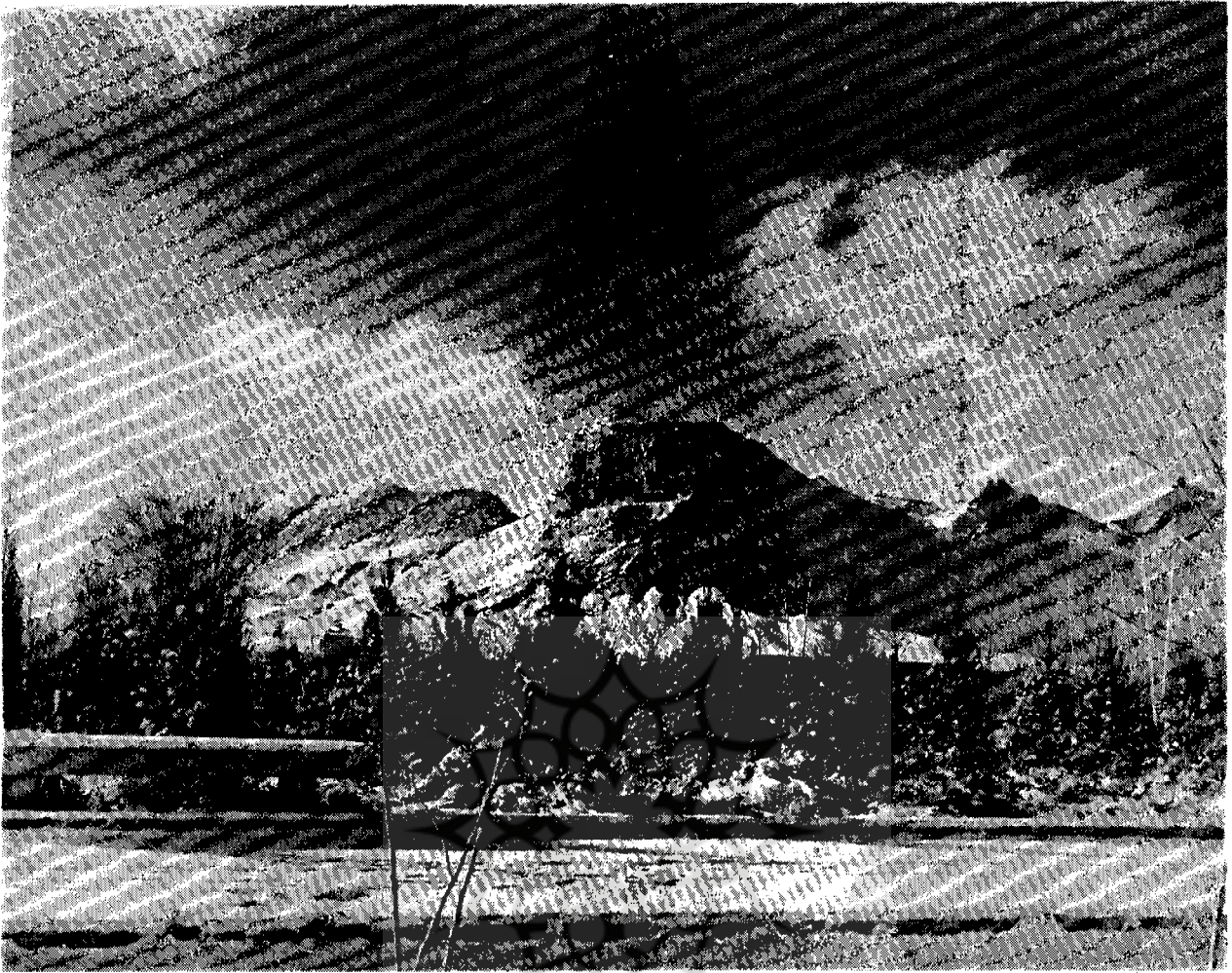


تصویر شاه سلیمان صفوی (نقاشی انگلبرت کمبفر)

باشد مورد علاقه او نیز هست شاه هم دوست دارد که در معیت حرمسرای خود به اینجا بیاید. اما به همراه آوردن زنان، کم باعث ناراحتی ساکنان جلفا نمی‌شود زیرا بمحض شنیدن فرمان قرق باید خانه و زندگی خود را بگذارند و بگریزند. بر بالای دامنه کوه بقایبای قلاع و دهکده‌های ویرانی هست که بزحمت

رفت. من در این ساختمان چیزی و نکته‌ای با عظمت نمی‌بینم که در شان بانی آن باشد تنها چیزی بدیع که می‌توان در این بنا یافت منظره زیبای آن است و همچنین بعضی سردابهایی که میتوان در آنها مخفی شد و چندتائی برج درشت و زمخت که با لانه‌های چلچله قابل مقایسه است. اما از آنجا که هر چه ساخته و پرداخته کسی

۳۸ - Hesperiden در اساطیر یونان دخترهای اطلس هستند که از سیب‌های طلائی در باغ خدایان مراقبت میکنند (صفحه ۲۱۹ کتاب «در دربار شاهنشاه ایران» ترجمه کیکاووس جهان‌داری).



منظره کوه صفا اصفهان که در جنوب باغ هزارگریب همانند يك حصار عظیم سنگی برای این باغ بوده است .

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

درخت پرداخته و حدود ردیف درختان را معلوم کرده است.<sup>۳۹</sup>

۳۹ - رجوع شود به کتاب «در دربار شاهنشاه ایران» ترجمه کیکاوس جهاننداری صفحه ۲۱۸ و ۲۱۹ .

به دست گرفته است تا خود را جانشین راستین کوروش کبیر نشان دهد. چنانکه از مطالعه کتاب گرنفون برمیآید کوروش باغ‌سازی را از مشاغل لایق مقام سلطنت می‌شمرده و به همین دلیل به کرات به کاشتن

منتقل کرد در آنجا نه تنها شخصاً موقع دربار و حدود و ثغور شهر را تعیین کرد بلکه گویا اندازه و نقشه باغهای موصوف را هم در تناسب با زمین‌های اطراف، او تصویب کرده باشد، می‌گویند در هنگام طرح نقشه چهارباغ خود شاه عباس خط کش